



## چراغ روشن امید در خانه محبوبه



پس از بسته شدن تدریجی مکاتب متوسطه و لیسه دخترانه و تعلیق تحصیل دختران از سوی طالبان، دختران زیادی در افغانستان خانه‌نشین شده‌اند. در میان این دختران شماری مصروف آموزش خیاطی و شماری دیگر مشغول کارهای خانه هستند. اما عده‌ای از دانشجویان دختر برای این که مشعل آموزش را زنده نگه دارند، به ایجاد صنف‌های پنهانی درسی در خانه‌های خود اقدام کرده‌اند. این دختران فعال سعی دارند روزنه امید در دل دانش‌آموزان محروم از آموزش، روشن باقی بماند.

۷

## چهارشنبه سیاه بلخ:

### طالبان چه کسانی را تیرباران کردند؟

۶



## واجب القتل بودن منتقدان:

### قاضیان پیشین:

# دید طالبان نسبت به شهروندان شرم‌آور و غیرشرعی است

صفحه ۳

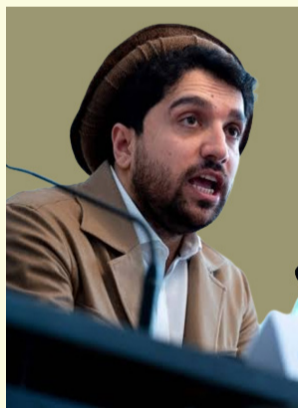
## برنامه جهانی غذا:

### سال گذشته به ۲۳ میلیون تن در افغانستان کمک کرده‌ایم

۸ صبح، کابل: برنامه جهانی غذا (WFP) اعلام کرده است که سال گذشته به ۲۳ میلیون تن، از جمله ۱۲ میلیون زن و دختر مواجه با ناامنی غذایی در افغانستان، کمک کرده است. این سازمان روز دوشنبه، ۲۲ حوت، با نشر توییتی نگاشته است که کمک‌رسانی به این افراد به لطف حامیانی مانند بریتانیا، استرالیا و بانک توسعه آسیایی امکان پذیر شد. این در حالی است که دفتر هماهنگ‌کننده کمک‌های بشردوستانه سازمان ملل متحد (اوجا) اعلام کرده که افغانستان سالی با بزرگ‌ترین و شدیدترین بحران بشردوستانه را آغاز کرده است. به گفته اوجا، ۲۰ میلیون شهروند افغانستان در سال ۲۰۲۳ با گرسنگی شدید و شش میلیون تن با قحطی روبه‌رویند. یافته‌های اوجا نشان می‌دهد که ۸۷۵ هزار کودک در سال ۲۰۲۳ از سوءتغذیه شدید و ۲.۳ میلیون کودک از سوءتغذیه نیمه‌شدید رنج خواهند برد. گفتنی است که پس از تسلط طالبان بر افغانستان، دامنه فقر به دلیل بیکاری و قطع شدن درآمد خانواده‌ها در میان شهروندان کشور افزایش پیدا کرده است.



## احمد مسعود در سالگرد عبدالعلی مزاری: گروه طالبان در پی ایجاد فتنه و نفاق در میان نسل جدید است



کار برد و برای تحقق عدالت اجتماعی و حقوق شهروندی برابر از هیچ تلاشی دریغ نکرد. او اعتقاد داشت همه اقوام باید از حقوق یکسان برخوردار شوند و در ساختار قدرت سهمی فعال داشته باشند. نام‌برده در بخش دیگری از پیام خود، خطاب به هواداران عبدالعلی مزاری، احمدشاه مسعود، برهان‌الدین ربانی و دیگر چهره‌های سیاسی تاثیرگذار افغانستان که در ۳۰ سال اخیر به دست طالبان یا گروه‌های متحد این گروه کشته شده‌اند، گفته است: «راه درست زنده نگه‌داشتن یاد شهدا و اتحاد و اتفاق و پیروز کردن مقاومت و ایستادگی مردم افغانستان است.» گفتنی است که عبدالعلی مزاری واسط حوت ۱۳۷۳ به اسارت طالبان درآمد و در ۲۲ حوت همان سال به دست این گروه کشته شد.

۸ صبح، کابل: احمد مسعود، رهبر جبهه مقاومت ملی افغانستان، به مناسبت سالگرد کشته شدن عبدالعلی مزاری، رهبر پیشین حزب وحدت اسلامی، گفته که «باور استبدادی» طالبان هنوز هم تغییر نکرده است و این گروه برای ادامه «حکومت استبدادی» خود، در پی «ایجاد اختلاف، فتنه و تفرقه» در میان نسل جدید است.

آقای مسعود روز دوشنبه، ۲۲ حوت، با نشر یک نوار صوتی به مناسبت بیست‌وهشتمین سالگرد کشته شدن مزاری گفته است که «پیروزی مبارزه برحق مردم» نیازمند اتحاد است. وی افزوده است: «اتحاد و انسجام ما امروز برای تحقق آرمان‌های شهدای ما علی‌الخصوص آرمان شهدایی چون استاد مزاری، که امروز در سالگرد شهادتش قرار داریم، امری لازمی و واجب است.» رهبر جبهه مقاومت ملی آقای مزاری را «صدای رسای مبارزه علیه استبداد» خوانده و افزوده است که طالبان به‌عنوان یک «گروه استبدادی»، به دلیل این که ادامه فعالیت‌های او را برای خود «خطرناک» می‌دانستند، حذفش کردند.

مسعود تصریح کرده است: «استاد مزاری برای بیداری نسل جدید و فردا مبارزه و تلاش فراوانی انجام داد. او با شجاعت بی‌نظیر و عزت نفس، تا پای جان برای مردم و میهنش جنگید.» رهبر جبهه مقاومت ملی افغانستان با اشاره به این که عبدالعلی مزاری با درک اوضاع افغانستان، از هیچ تلاشی برای برقراری عدالت کوتاهی نکرده، افزوده است: «مزاری با درک عمیق از تاریخ سیاسی کشور، نیاز به مبارزه و نبرد با ظلم و تبعیض و نابرابری، تمام تلاش خود را به

## حقوق زنان افغانستان؛ آزمونی دشوار برای سازمان ملل متحد

سازمان ملل متحد در طول حدود ۷۸ سال از تأسیس خود، امروز بیش از هر وقت...



صفحه ۵

## اوجا:

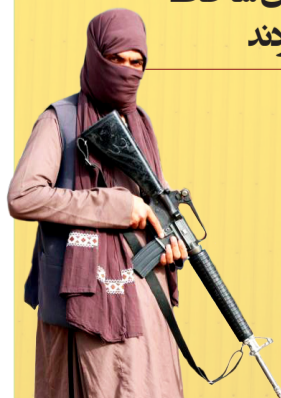
### افغانستان سالی با بزرگ‌ترین و شدیدترین بحران بشردوستانه را آغاز کرده است



صفحه ۲

## ادامه بازرسی‌های خانه‌به‌خانه در کابل؛ طالبان ساحات چهارراهی شهید و سلیم کاروان را بازرسی کردند

۸ صبح، کابل: منابع در شهر کابل از آغاز بازرسی‌های خانه‌به‌خانه از سوی طالبان در بخش‌هایی از این شهر خبر می‌دهند. شماری از باشندگان ساحات چهارراهی شهید و سلیم کاروان شهر کابل روز دوشنبه، ۲۲ حوت، در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گویند که جنگ‌جویان طالبان خانه‌های آنان را بازرسی کرده‌اند. به گفته آنان، طالبان حتا جاده‌های فرعی را به‌روی مردم بسته بودند. بازرسی‌های خانه‌به‌خانه در کابل هرازگاهی از سوی طالبان راه‌اندازی می‌شود. طالبان ماه گذشته نیز مناطق کارته سخی، مکروریان و سیلوی مرکزی شهر کابل را بازرسی کرده بودند.



صفحه ۲



## سرکوب و حذف، دوام امارت طالبان را تضمین نخواهد کرد

در چهل سال گذشته متأسفانه در کشور ما تنها طرف‌هایی که اسلحه و نیروی حذف داشته‌اند، در صحنه سیاست تاب آورده‌اند. دیگران، آنانی که به ابزاری غیر از زور در سیاست اتکا می‌کرده‌اند، نتوانسته‌اند برای مدت طولانی در میدان خون‌بار سیاست نقش تعیین‌کننده بازی کنند. تجربه سقوط جمهوری اسلامی تازه‌ترین نمونه‌اش بود. پیش از توافق‌نامه دوحه، نیروهای ضد طالب، تحصیل‌کرده‌ها، روشن‌فکران و جامعه مدنی اعتمادبه‌نفس قابل توجه در حفظ ارزش‌های دموکراتیک داشتند و اکثریت جامعه چه در شهرها و چه در روستاها به توانایی این جمع از وطن‌داران‌شان بسیار امیدوار بودند که در رهبری کشور به مسیر صلح و ثبات، موفق شوند. گفته می‌شد که گروه‌های تروریستی هم از لحاظ حمایت جهانی، هم از نظر جلب حمایت مردمی و به‌خصوص از نظر فکری نمی‌توانند رقیب نسل جدیدی شوند که با ابزار و مهارت‌های مدرن سیاست مجهزند. صحبت از این می‌شد که مذاکرات صلح اگر به‌درستی مدیریت شود، طالبان در روندی که بعد از ۲۰۰۱ آغاز شده بود، هضم خواهند شد؛ چرا که آن گروه آجندایی برای اداره کشوری که بسیار متحول شده است ندارد و می‌داند که به تنهایی و با زور تفنگ قادر نخواهد شد همه را حذف کرده امارت ضد زن، ضد تحصیل، ضد آزادی و کار را تحمیل کند. حتی تا ماه‌های پایانی تسلیم‌دهی قدرت به طالبان، این امید اگر چه کم‌رنگ ولی همچنان در ذهن میلیون‌ها هم‌وطن زنده بود.

با به قدرت رسیدن طالبان، ذهنیت‌ها تغییر کرد. قبل از همه، خود گروه طالبان که با تسلیمی سریع کشور شوکه شده بودند، به جای تاکید بر حقانیت خود در حکومت‌داری، توانایی اداری و داشتن برنامه جامع‌تر از دیگران، کندک‌های انتحاری و ابزار کشتار خود را به رخ کشیدند. محافل تجلیل از انتحاری‌ها و بشکه‌های زرد را برگزار کردند. حتی عفو را به‌گونه‌ای تبلیغ کردند که گویا از سر شفقت هزاران انسان کشتنی را نکشته‌اند و باید همه از طالبان سپاس‌گزار باشند. جامعه نیز متأسفانه با فروریزی یک‌باره تمام امکانات غیرخوشونت‌آمیز سیاست، متوجه شد که آن اعتمادبه‌نفس مدنی در غیبت سپر دفاع نظامی، چه‌قدر شکننده بوده و چگونه برای چندمین بار سرکوب و حذف ابزار اصلی حاکمیت شده است.

رهبران طالبان همان‌طوری که در گذشته از خوشونت عربان و تهدید به حذف ابا نداشتند، اکنون نیز با وجود تبلیغات عفو، در عمل به اعدام‌های صحرایی و حذف و سرکوب مخالفان ادامه می‌دهند و هم در بیان نیت خود از تریبون‌های رسمی ابا ندارند. تازه‌ترین موردش سخنان ندامحمد ندیم، وزیر تحصیلات عالی طالبان است که اخیراً گفته است هر کسی که نظام طالبان را تخریب کند، واجب‌القتل است. او به پیروی از رهبرش ملا هبت‌الله باور دارد که تمام مردم افغانستان باید از امارت اطاعت کنند و هر گونه انتقاد در رسانه، حتی اگر با فاکت و سند هم باشد، تخریب شمرده می‌شود. ملا هبت‌الله گفته بود انتقاد سازنده آن است که در خلوت از خود شخص مورد انتقاد صورت گیرد. از این رو، سخن ندامحمد ندیم که تخریب زبانی و قلمی مثل تخریب عملی بغاوت شمرده شده و تخریب‌کننده‌گان واجب‌القتل‌اند، نظر شخصی او نیست، بلکه بیان سیاست امارت طالبان است. رهبران طالبان در مواقع مختلف نفرت و انزجار خود را از رسانه‌ها بیان کرده‌اند. باری، در یک فایل صوتی، یکی از آنان با خشم بسیار اظهار داشته بود که رسانه‌ها بدتر از مخالفان مسلح‌اند و از طالبان خواسته بود که منتقدان رسانه‌ای را سرکوب کنند. در تمایل گروه طالبان به اعمال سکوت و اطاعت مطلق شکی نیست. آنان توانایی تقابل فکری و گفت‌وگو با مخالفان را ندارند و با وجود لاف بسیار از شریعت و در اختیار داشتن مادر علم‌ها، می‌دانند که از نظر علمی در چه جایگاهی قرار دارند و چگونه در اقصای جامعه و توجیه سیاست‌های ضد انسانی ناتوان می‌باشند، از این رو، با کشیدن تفنگ و دره به جان مخالفان می‌کوشند میدان مبارزه فکری را تعطیل کنند. اما، سرکوب و حذف همان‌طوری که در گذشته ضامن دوام حکومت‌ها نشده بود، اکنون نیز سقوط طالبان را تسریع خواهد کرد.

## اوچا: افغانستان سالی با بزرگ‌ترین و شدیدترین بحران بشردوستانه را آغاز کرده است



۸ صبح، کابل: دفتر هماهنگ‌کننده امور بشردوستانه سازمان ملل (اوچا) اعلام کرده که افغانستان سالی با بزرگ‌ترین و شدیدترین بحران بشردوستانه را آغاز کرده است. اوچا ناوقت روز یک‌شنبه، ۲۱ حوت، در گزارشی گفته است که از ۲۸ میلیون جمعیت افغانستان که به کمک نیاز دارند، شرکای بشردوستانه کمک‌رسانی به ۲۳.۷ میلیون تن را اولویت داده‌اند.

به گفته اوچا، ۲۰ میلیون شهروند افغانستان در سال ۲۰۲۳ با گرسنگی شدید و ۶ میلیون تن با قحطی روبه‌رو هستند. یافته‌های اوچا نشان می‌دهد که ۸۷۵ هزار کودک در

سال ۲۰۲۳ از سوء‌تغذیه شدید و ۲.۳ میلیون کودک از سوء‌تغذیه نیمه‌شدید رنج خواهند برد.

اوچا هشدار داده است که اگر افغانستان وارد سومین سال خشک‌سالی شود، وضعیت بد تغذیه در این کشور ۲۰ درصد نسبت به وضعیت فعلی بیشتر خواهد شد.

برپایه ارزیابی‌های اوچا، در پی تسلط طالبان در افغانستان، ۸۰ درصد خانواده‌ها کاهش درآمد را تجربه کرده‌اند. این در حالی است که به کمک نهادهای بشردوستانه ۲۶.۱ میلیون شهروند افغانستان در سال ۲۰۲۲ از قحطی نجات داده شدند.

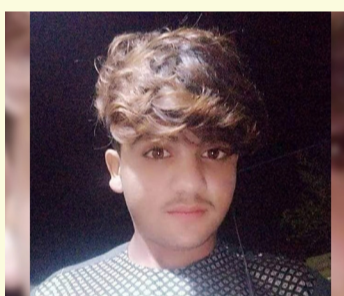
## یک آوازخوان جوان محلی در ننگرهار خودکشی کرد

ناوقت روز یک‌شنبه، ۲۱ حوت، در خانه‌اش در شهر جلال‌آباد، مرکز ولایت ننگرهار، با شلیک گلوله به زنده‌گی‌اش پایان داده است.

شاه‌جوان منور، کاکای سرتاج، با تأیید این رویداد گفته که او پس از بازی کریکت با برادرانش، دست به خودکشی زده است.

منور دلیل خودکشی سرتاج را فقر و مشکلات اقتصادی بیان کرده است. طالبان در ننگرهار هنوز در مورد این رویداد چیزی نگفته‌اند.

پس از تسلط طالبان بر افغانستان، هنرمندان اجازه فعالیت ندارند. بر بنیاد گزارش‌ها، هنرمندان این کشور با مشکلات اقتصادی زیادی دست‌وپنجه نرم می‌کنند.



۸ صبح، ننگرهار: منابع محلی در ننگرهار می‌گویند که یک آوازخوان جوان محلی در این ولایت خودکشی کرده است.

این آوازخوان جوان محلی که سرتاج نام داشت،

## طالبان در خوست یک نظامی پیشین را بازداشت کردند

۸ صبح، خوست: منابع محلی در ولایت خوست از بازداشت شدن یک افسر امنیت ملی حکومت پیشین در این ولایت خبر می‌دهند.

منابع از این ولایت روز دوشنبه، ۲۲ حوت، می‌گویند که گل‌مت خیل، مدیر امنیت ملی ولسوالی صبری ولایت خوست در حکومت پیشین، روز گذشته از سوی طالبان بازداشت شده است.

منابع افزوده‌اند که این نظامی پس از سقوط نظام

پیشین به ایران پناه برده بود و به‌تازگی به کشور بازگشته است.

این نظامی در قید نیروهای استخبارات طالبان قرار دارد.

گفتنی است که طالبان چندی پیش، بدرالدین حیدری مشهور به بدو، فرمانده امنیه ولسوالی بکخیل ولایت پکتیکا در نظام پیشین را نیز پس از یک روز زندانی کردن، تیرباران کردند.

## سرطیب پیشین شفاخانه کامه ننگرهار کشته شد

۸ صبح، ننگرهار: منابع محلی در ننگرهار می‌گویند که سرطیب پیشین شفاخانه ولسوالی کامه این ولایت کشته شده است.

یک منبع معتبر محلی به روزنامه ۸ صبح می‌گوید که محبت عبدالرحیم‌زی، سرطیب پیشین شفاخانه کامه ننگرهار، یک‌شنبه‌شب، ۲۱ حوت، در خانه‌اش کشته شده است.

به گفته منبع، عبدالرحیم‌زی به دلیل خصومت خانواده‌گی و با ضربات چاقو به قتل رسیده است. برپایه اطلاعات منبع، سرطیب شفاخانه ولسوالی کامه ننگرهار با اعضای خانواده برادرش شب گذشته درگیری فیزیکی داشته است.

طالبان در ننگرهار تاهنوز در این مورد چیزی نگفته‌اند.

گفتنی است که خشونت‌های خانواده‌گی هر از گاهی از خانواده‌های افغان قربانی می‌گیرد.

## افزایش ۳۲ درصدی صادرات پاکستان به افغانستان در ۸ ماه گذشته

۸ صبح، کابل: به گزارش رسانه‌های پاکستان، صادرات این کشور به افغانستان در ۸ ماه گذشته ۳۲ درصد افزایش یافته است.

د نیشن یک‌شنبه‌شب، ۲۱ حوت، گزارش داده که این آمار صادرات پاکستان به افغانستان از جولای سال ۲۰۲۲ تا فبروری ۲۰۲۳ را در بر می‌گیرد.

برپایه اطلاعات نشر شده، صادرات پاکستان در سال گذشته ۵۰۰ میلیون دالر بوده، اما این رقم حالا به ۶۵۸ میلیون دالر رسیده است.

براساس این گزارش، واردات پاکستان از افغانستان زیر کنترل طالبان نیز افزایش ۲۴ درصدی داشته است.

گفته می‌شود که میزان واردات پاکستان از افغانستان از ۵۴۴.۱۷ میلیون دالر در سال گذشته به ۶۷۵ میلیون دالر رسیده است.

تراکتور، موتورسایکل، پارچه‌های ضد آب، تکه، دارو، محصولات لاستیکی، برنج، سمنت و محصولات برقی از اقلام صادراتی پاکستان به افغانستان است.

طالبان و پاکستان در ۸ ماه گذشته درگیری‌هایی در گذرگاه‌های تورخم و اسپین‌بولدک داشته‌اند که کاروان‌های تجارتي دو طرف را متضرر کرده است.



## استخبارات طالبان در ننگرهار یک صراف را کشته است

۸ صبح، ننگرهار: برادر یک صراف کشته‌شده به نام حاجی راج ولی در ولایت ننگرهار، استخبارات طالبان را به قتل برادرش متهم کرده و از رهبران طالبان در این مورد خواستار پاسخ شده است.

انجنیر رحمت ولی، برادر صراف مقتول روز دوشنبه، ۲۲ حوت، با انتشار یک نوار تصویری گفته است: «دو هفته پیش ریاست استخبارات طالبان در ننگرهار برادرم را با خود بردند و چند روز پیش جسد او را تحویل دادند.»

او افزوده است: «به خدا قسم، او با نظامیان سابق یا کسی دیگر ارتباط نداشت. بگذارید سران طالبان جواب کشتن او را بدهند، وگرنه در روز قیامت دست من و گریبان آن‌ها خواهد بود.»

به گفته او، طالبان ابتدا تقاضا کردند که شماری از موسفیدان را با خود ببرند و زندانی را آزاد کنند، اما وقتی اعضای این خانواده می‌روند، طالبان به آن‌ها می‌گویند که زندانی خودکشی کرده است و آن‌ها می‌توانند جسد را از شفاخانه تسلیم شوند.

مقام‌های محلی طالبان در ننگرهار و اتحادیه صرافان این ولایت تاکنون در این مورد چیزی نگفته‌اند.

این در حالی است که شماری از صرافان در ننگرهار، استخبارات طالبان را به گرفتن باج از آنان و آزاروآذیت صرافان متهم می‌کنند.

این تنها مورد از بازداشت و قتل شهروندان کشور توسط طالبان نیست. پیش از این نیز این گروه دست به بازداشت، شکنجه و قتل نظامیان حکومت پیشین و شهروندان کشور زده است.



۶۶

**طالبان رژیم خود را برخاسته از احکام «تاب اسلامی» توصیف می‌کنند و مخالفت در برابر آن را «بغاوت» می‌پندارند. به باور آنان، هر کسی که در مقابل این نظام انگشت انتقاد بلند کند، واجب‌القتل است.**

**واجب‌القتل بودن منتقدان؟**

## قاضیان پیشین

# دید طالبان نسبت به شهروندان شرم‌آور و غیرشرعی است



امین کاوه

در نظام‌های مردم‌سالار انتقاد از عمل‌کرد حکومت به‌مثابه پخته‌گی سیاسی و بیداری جمعی در قبال سرنوشت عمومی پنداشته می‌شود. تا پیش از تسلط طالبان بر افغانستان، گروه‌های مختلف سیاسی و مدنی به‌گونه آزادانه در فضای خصوصی و عمومی از برنامه‌های دولت و عمل‌کردهای نامناسب مسوولان حکومتی انتقاد می‌کردند. مسوولان حکومت با وجود بدبینی نسبت به صنف سیاسی، تلاش می‌کردند به انتقاد مخالفان از راه گفت‌وگو و شنود پاسخ بدهند. هرچند حکومت اشرف غنی بارها به شلیک مستقیم بر معترضان و قتل اعضای جنبش‌های مدنی متهم شده است، اما در انتقاد از طریق کانال‌های عمومی را همیشه باز نگه داشته بود. طالبان اما در جریان ۱۹ ماه گذشته، بساط همه‌آزادی‌های سیاسی و مدنی را برچیده‌اند و مخالفان رژیم‌شان را «واجب‌القتل» می‌پندارند. در نشست شورای علمای طالبان در کابل فتوای سرکوب مخالفان صادر شده و با توجه به همین فتوا، ندامحمد ندیم، سرپرست وزارت تحصیلات عالی این گروه، برای دومین بار از واجب‌القتل بودن منتقدان طالبان سخن گفته است. با این حال، شماری از قاضیان حکومت پیشین، این دید طالبان نسبت به شهروندان منتقد را «شرم‌آور و غیرشرعی» توصیف می‌کنند. شهروندان کشور نیز رژیم طالبان را استبدادی، ستم‌گر و فاقد مشروعیت ملی و بین‌المللی می‌خوانند.

با سقوط نظام جمهوری و روی‌کارآمدن رژیم طالبان همه آزادی‌های مدنی و سیاسی در کشور به‌تدریج از رفته است. در جریان دست‌کم دو سال، هیچ جریان سیاسی حق فعالیت آزادانه را در کشور نداشته است. از سوی دیگر، معترضان و منتقدان رژیم طالبان نیز پیوسته سرکوب و بازداشت شده و حتی به قتل رسیده‌اند. طالبان با وجود این‌که در آغازین روزهای برگشت به قدرت فرمانی را زیر نام «عفو عمومی» صادر و اعلام کردند که همه مخالفان و منتقدان این گروه بربنیاد این فرمان، از بازجویی، حبس و مجازات در امان خواهند بود، اما به این تعهد خود عمل نکردند. افراد طالبان در کنار بازداشت صدها نظامی پیشین، مخالفان و منتقدان رژیم خود را به اتهام‌های گوناگون به قتل رسانده‌اند. افزون بر این، فرماندهان و مقام‌های ارشد این گروه فتوای قتل مخالفان خود را نیز صادر کرده و به چرخه کشتار همانند گذشته ادامه داده‌اند. در این میان ندامحمد ندیم، سرپرست وزارت تحصیلات عالی طالبان و از چهره‌های نزدیک به رهبر این گروه، چندین بار منتقدان رژیم این گروه را «واجب‌القتل» خوانده است.

### فتوای «واجب‌القتل» خواندن منتقدان و مخالفان طالبان

طالبان رژیم خود را برخاسته از احکام «تاب اسلامی» توصیف می‌کنند و مخالفت در برابر آن را «بغاوت» می‌پندارند. به باور آنان، هر کسی که در مقابل این نظام انگشت انتقاد بلند کند، واجب‌القتل است. مولوی مجیب‌الرحمان انصاری که در ماه سنبله سال روان خورشیدی در مسجد «گازرگاه» هرات در پی حمله انتحاری کشته شد، بارها فتوای قتل مخالفان طالبان را صادر کرده بود. او به تاریخ ۱۲ سرطان سال جاری در جریان سخنرانی در تالار لویه‌جرگه در نشست علمی

طالبان گفت: «کسی که در مقابل حکومت اسلامی ما قد علم می‌کند، باید سر زده شود و از بین برود.» انصاری در هنگام سخنرانی‌اش در یکی از خطبه‌های نماز جمعه در هرات نیز به نمازگزاران گفت: «این‌ها [معترضان] که در خیابان‌ها بیرون می‌شوند، حکومت اسلامی [طالبان] شرعاً حق دارد آن‌ها را تهدید کند. تو [معترض و منتقد] غلط کردی که در مقابل حکومت اسلامی ایستاده شدی.»

نشست سه‌روزه شورای علمای طالبان در کابل که با صدور قطع‌نامه‌ای پایان یافت، نیز به سرکوب مخالفان و منتقدان اشاره داشته است. در بخشی از ماده ششم این قطع‌نامه آمده است: «مخالفت مسلحانه در برابر این نظام، بغاوت و فساد فی‌الارض پنداشته می‌شود.» همچنان در ماده هشتم این قطع‌نامه به عالماتی که از طریق رسانه‌های اجتماعی انتقاد می‌کنند، هشدار داده شده که از بیان سخنان اعتراضی خودداری کنند. این فتوای طالبان با واکنش‌های تند مخالفان رژیم این گروه مواجه شده، اما سودی در پی نداشته است.

### «واجب‌القتل» خواندن مخالفان طالبان از سوی ندامحمد ندیم

ندامحمد ندیم، سرپرست وزارت تحصیلات عالی طالبان، از چهره‌های تندرو و جنجالی در میان این گروه شمرده می‌شود. او که از مقام‌های مورد اعتماد رهبر غایب این گروه نیز به حساب می‌رود، پیوسته مخالفان و منتقدان رژیم طالبان را به سرکوب و مرگ تهدید کرده است. ندیم علاوه بر نقش مستقیم در مسدود کردن دانشگاه‌ها و نهادهای تحصیلی دولتی و خصوصی به روی دختران، فتوای قتل مخالفان این گروه را نیز صادر کرده است. ندامحمد ندیم زمانی که به‌عنوان والی طالبان برای کابل کار می‌کرد، نواری تصویری از او در رسانه‌های اجتماعی دست‌به‌دست می‌شد که فتوای سرکوب و قتل مخالفان این گروه را صادر کرده است. او در آن سخنرانی گفته است که مخالفت با نظام طالبان حرام است و مخالفان «واجب‌القتل»‌اند. او با اشاره به فعالیت‌های جبهه مقاومت ملی نیز می‌گوید که مقابله با این جبهه یک «فریضه» است.

این مقام طالبان به تداوم اظهارات تندش، روز شنبه، ۲۰ حوت، در جریان سخنرانی در مراسم پایانی دوره آموزشی مفتی‌ها و قاضی‌های این گروه در قندهار، بار دیگر مخالفان طالبان را «واجب‌القتل» خوانده است. در نوار تصویری‌ای که از او در رسانه‌ها منتشر شده، او می‌گوید: «تخریب‌کننده نظام اگر با زبان، اگر با قلم یا در عمل تخریب کند، همه آن‌ها باغی و واجب‌القتل پنداشته می‌شوند.»

ندیم در این سخنرانی کشتن مخالفان رژیم طالبان را «فرض» توصیف می‌کند و تأکید می‌ورزد که طالبان آن‌گونه که با نیروهای آمریکایی رزمیده‌اند، در مقابل مخالفان نیز باید بجنگند. سرپرست وزارت تحصیلات عالی طالبان، مخالفان این گروه را «باغی» خطاب می‌کند و ایستاده‌گی علیه طالبان را «غیرشرعی» می‌داند. او در این سخنرانی به‌طور آشکار و واضح می‌گوید: «هر کسی در مقابل شما بایستد، جنگ کردن علیه این قسم افراد فرض است و کشتن آن‌ها به دلیل ایستاده‌گی در مقابل نظام اسلامی، بر من و شما فرض است. باغی است و اگر به خود نام مقاومت و خلافت می‌دهد، برای ما فرض است که مردم مظلوم و مسلمان افغانستان را از وجود آن‌ها خلاص کنیم.»

### واکنش شهروندان به فتوای سرپرست وزارت تحصیلات عالی طالبان

شهروندان کشور با ابراز مخالفت، صدور فتوای سرپرست وزارت تحصیلات عالی طالبان را دشمنی آشکار با مردم و واقعیت‌های موجود در کشور می‌دانند و تأکید می‌ورزند که هیچ گروهی با استبداد و ستم‌گری نمی‌تواند به حاکمیت خود در افغانستان ادامه دهد.

محمد قیس، یکی از شهروندان کشور، در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گوید: «طالبان مشروعیت ملی و بین‌المللی ندارند. وقتی یک نظام مشروعیت نداشته باشد، حق هم بالای شهروندان ندارد. طالبان بزرگ‌ترین ناقضان حقوق بشر هستند. طالبان یک گروه تروریستی‌اند که بیشتر از دو دهه در کشور خون جاری ساخته‌اند، مردم بی‌گناه و مظلوم را به بهانه‌های مختلف کشته‌اند.

حاکمیت طالب، تحمیل و ترویج تروریسم است.» به گفته قیس، صدها نفری که در این مدت کشته یا ناپدید شده‌اند، نتیجه همین فتوای فرمان‌های طالبان بوده است. او تأکید می‌ورزد: «این حرف‌ها [واجب‌القتل خواندن] بسیار خطرناک است و عملاً مردم را به قربانگاه می‌برد. شمشیر طالبان را برای بریدن سرهای بی‌گناهان تیزتر می‌کند. این سخن برای ما خیلی خطرناک است. فضای سرکوب و سکوت، خیلی کشنده است.»

شمایل، یکی از دانشجویان دختر است که پس از وضع ممنوعیت از سوی طالبان، خانه‌نشین شده است. او در صحبت با روزنامه ۸صبح سکوت جمعی در مقابل فتوای طالبان را «کشنده و مرگ‌بار» می‌خواند. به گفته او، طالبان در راستای سرکوب و حذف، از تفسیر احکام اسلامی مبتنی بر برداشت خود به‌عنوان شمشیر برنده علیه مردم افغانستان استفاده می‌کنند.

این دانشجوی می‌گوید: «اجرای شریعت از سوی طالبان نه‌تنها زنان، بلکه مردان را نیز با خطر مرگ، شکنجه و تیرباران روبه‌رو ساخته است. اگر مردم بیشتر از این سکوت کنند، تکان نخورند، شمشیر افراطیت و سرکوب طالبان گلوی همه را یک‌به‌یک خواهد برید. این‌ها [طالبان] که هزاران انسان را با انتحار و انفجار کشته‌اند، حال به طریق دیگری می‌کشند.»

### دیدگاه قاضیان پیشین درباره صدور فتوای ندامحمد ندیم

رییس دادگاه حقوق عامه یکی از ولایت‌ها در نظام جمهوری که به دلیل مشکلات امنیتی نمی‌خواهد نامش در این گزارش ذکر شود، به روزنامه ۸صبح می‌گوید که این فتوای سرپرست وزارت تحصیلات عالی طالبان «خلاف شریعت و شرم‌آور» است. این قاضی پیشین تأکید می‌ورزد که نظام‌ها مکلف‌اند نقد منتقدان را بشنوند و نقدهای سازنده را برای اصلاح نظام تطبیق کنند. به گفته او، نباید مردم به هر بهانه‌ای در فتوای صحراپی، کشته شوند. این قاضی پیشین می‌افزاید: «قرآن کریم در مورد فتوای قتل صریح سخن می‌زند و می‌گوید شما انسان‌ها و مسلمان‌ها را نکشید، مگر به حق. حق مشخص است. قصاص است. رجم [سنگ‌سار] است که بحث اختلافی هم است. مورد دیگری ارتداد است که این موارد نیز شرایط به‌خصوص خود را دارند. به جز موارد یادشده، هیچ کسی حق ندارد انسانی را به قتل برساند.»

این قاضی که از سوی طالبان برکنار شده است، علاوه می‌کند: «اگر به سنت پیامبر اسلام هم مراجعه شود، کاری را که پیامبر انجام می‌دهد، از طرف صحابه نقد می‌شد. گاهی سبب شده پیامبر روشی را که انتخاب

کرده، کاری را که باید انجام بدهد، تغییر مسیر می‌داد. این‌ها اثر نقد سازنده صحابه و اطرافیان پیامبر است، مثلاً در جنگ بدر، پیامبر جایی را انتخاب می‌کند، اما کسی دیگر در آن‌جا حاضر می‌شود و مکان دیگری را برمی‌گزیند. حاضرین می‌گویند که انتخاب پیامبر منصوص است، اما حضرت پیامبر می‌گوید کار من، منصوص نیست، اشتباهی است. آن فرد که یک مهارت رزمی داشت، مواضع دیگری را انتخاب می‌کند، پیامبر سخنش را می‌شنود و به آن عمل می‌کند.»

این قاضی همچنان اضافه می‌کند: «نقد خلفای راشدین بسیار روشن است. کسی که کمترین کتاب را در باب سیرت آن‌ها خوانده باشد، می‌داند که حضرت ابوبکر صدیق و حضرت عمر، کسانی‌اند که از بزرگان صحابه نقد شده‌اند. حتی سر منبر بوده، نقد صریح و شدید شده‌اند. آن‌ها [ابوبکر و عمر] به نقد ناقدان، حرکت منفی انجام نداده‌اند که ناقد را کشته باشند، تهدید کرده باشند، سرزنش کرده باشند یا کمترین عکس‌العمل منفی را در مقابل منتقدان انجام داده باشند؛ بلکه در برابر نقد سر تسلیم نهاده‌اند، به نقد گوش دادند، عمل کردند و یا پاسخ قناعت‌بخش ارائه کردند.»

رییس دادگاه حقوق عامه یکی از محاکم کشور همچنان در باب فتوای واجب‌القتل خواندن منتقدان طالبان می‌گوید: «طالبان خودخواه هستند، فکر می‌کنند که خودشان عین خدا و پیامبر هستند، عین دین هستند و هرگاه نقد شوند، نقد دین است. وقتی نقد شوند، فکر می‌کنند که دین نقد شده است. حتی گاهی شده بالای نزول قرآن که عین دین است، اعتراض شده است. زنی به پیامبر با صدای بلند اعتراض می‌کند که قرآن، قرآن مردانه است، ما زن‌ها حقوق ما چیست؟ همه سخن‌هایش به مردان است. اگر آدم متوجه شود، ندای آن زن نقد بنیاد دین است. اما خداوند به تسلی دل آن خانم آیت نازل می‌کند، اما طالبان خود را بالاتر از دین فکر می‌کنند.»

این قاضی پیشین توضیح می‌دهد: «نقد طالب در اکثر وقت‌ها به‌خصوص در انجام افعال ناروایی را که آن‌ها در نظام خودخوانده اسلامی‌شان انجام می‌دهند نه‌تنها مکروه نیست، بلکه فرض عین است. کسانی که در برابر این‌ها [اطالب‌ها] سکوت می‌کنند، پیش خداوند مسوول هستند و گردن‌شان بسته است. این‌ها در روز آخرت در جمله کسانی حشر می‌شوند که سخن حق در برابر نظام ظالم و مستبد و کج‌رو حق نگفته‌اند، به‌خصوص کسانی که سکوت معنادار می‌کنند. طالب‌ها به نظامی رسیده‌اند که مفاد مادی زیادی را به دست آورده‌اند. به وسیله کشتار همه مسلمان‌ها هم شود، منافع مادی را که به دست آورده‌اند را به قیمت جان همه مسلمانان باید از دست ندهند. موقف منفعتی است. موقف سیاسی هم اگر باشد، موقف سیاسی شرم‌آور است.»

خشونت‌ورزی و کشتار در طول دو دهه گذشته از مهم‌ترین ابزارهای طالبان برای رسیدن به قدرت بوده است. این گروه در جریان بیست سال گذشته پیوسته با انجام حملات انتحاری و انفجاری، هزاران تن را به کام مرگ فرستاده و مسوولیت ده‌ها حمله انتحاری را برعهده گرفته است که منجر به کشته و زخمی شدن هزاران شهروند کشور شده است. طالبان هم اکنون نیز کندک انتحاری خود را در روزهای مناسبتی به نمایش می‌گذارند.

طالبان پس از برگشت به قدرت، از خشونت و سرکوب به‌عنوان کلیدی‌ترین ابزار جهت مطیع ساختن شهروندان و حذف مخالفان استفاده کرده‌اند. این گروه همه اقدام‌های‌شان را مشروعیت دینی می‌دهند و به حذف و فرمان‌برداری بی‌چون‌وچرای مردم ادامه می‌دهند. صدور فتوای قتل مخالفان و منتقدان یکی از این مواردی است که برای سرکوب هر چه بیشتر مخالفان سیاسی، معترضان مدنی و رسانه‌های منتقد صورت گرفته است.

## ایران و عربستان؛

# از رقابت تا رفاقت

**شور و شوق محمد بن سلمان به اصلاحات را می‌توان در فروکش کردن سطح تنش میان ایران و عربستان موثر خواند. طوری که دیده می‌شود، قطار اصلاحات در عربستان به همت او، به حرکت افتاده است.**

شجاع‌الدین امینی

ایران و عربستان دو بلوک مهم قدرت در منطقه خاورمیانه به شمار می‌روند. این دو کشور را از سه جهت می‌توان بلوک قدرت خواند: ۱- عربستان خود را نماینده اسلام سنی می‌خواند و ایران نماینده اسلام شیعی؛ ۲- بزرگ‌ترین ذخیره‌های نفتی حوزه خلیج فارس به این دو کشور تعلق دارد؛ و ۳- هر دو متحدان قدرت‌های بزرگ [ایالات متحده آمریکا، روسیه و چین] هستند. رفاقت و رقابت این دو کشور بر ثبات و بی‌ثباتی منطقه خاورمیانه اثرگذار است. از سپیده‌دم پیروزی انقلاب اسلامی در ایران تا این دم رابطه میان این دو کشور مبتنی بر رقابت بوده است تا رفاقت. سطح رقابت میان دو کشور به پیمان‌های بود که منجر به قطع رابطه دیپلماتیک به مدت هفت سال شد. به راز این رقابت طولانی و تبعات زیان‌بار ناشی از آن نمی‌پردازم. حالا که سخن از رفاقت است، بایستی به چندوچون این رفاقت پرداخت. باز شدن باب رفاقت و بسته شدن باب رقابت میان این دو کشور، ضمن خلق خوش‌بینی‌ها، برای بسیاری تبدیل به معما شده است. دو کشوری که سال‌های طولانی در رقابت گرم و نفس‌گیر به سر می‌بردند، چه سبب شد که یک‌شبه دور سفره رفاقت بنشینند؟ آیا این رفاقت مقطعی خواهد بود یا دایمی؟ پرسش مهم‌تر این است که چرا باب رفاقت میان این دو کشور به واسطه چین گشوده شده است؟ آیا ایالات متحده آمریکا در بستن باب رقابت میان این دو کشور نقش داشته است؟ آیا باز شدن این باب رفاقت سیمای خاورمیانه را تغییر خواهد داد یا نه؟ این نوشته بنا دارد به هر یک از این پرسش‌ها به‌گونه اختصار پاسخ دهد.

**پرسش یک:** راز باز شدن باب رفاقت میان ایران و عربستان در چیست؟

برای آن‌که به این پرسش بتوان پاسخ روشن و مقنع ارائه داد، بایستی به زمینه‌های هم‌سویی ایران و عربستان پرداخت. برای من، باز شدن باب رفاقت میان ایران و عربستان امری غیرمنتظره جلوه نمی‌کند؛ چون ایران و عربستان رقیب آشتی‌ناپذیر به شمار نمی‌رفتند که حالا رفاقت‌شان غیرمنتظره جلوه کند. اگر دقت شود، زمینه‌های هم‌سویی این دو کشور بیشتر است تا ناهم‌سویی. اگر تلاش‌های جدی از قبل به خرج داده می‌شد، هر آن ممکن بود باب رقابت میان دو کشور بسته شود. زمینه‌های هم‌سویی میان این دو کشور را به‌گونه ذیل می‌توان برشمرد:

### ۱- رنگ باختن منازعه عراق، یمن و سوریه

احیای اسلام شیعی در عراق، یمن و سوریه که در گذشته منشأ رقابت میان ایران و عربستان بود، اکنون نیست. اکنون منازعه بر سر این سه کشور برای ایران و عربستان جذابیت ندارد. عربستان، سقوط صدام و احیای اسلام شیعی در عراق را برای خود خطر خیز می‌دانست و ماندن صدام را بر احیای اسلام شیعی در عراق ترجیح می‌داد؛ چون احیای اسلام شیعی در دنیای عرب می‌توانست به احیای اقلیت شیعه در عربستان بینجامد. برای اثبات این سخن کافی است به حمله نظامی ایالات متحده آمریکا به عراق در سال‌های ۱۹۹۱ و ۲۰۰۳ توجه شود. عربستان از حمله نظامی آمریکا در سال ۱۹۹۱ به عراق حمایت کرد؛ چون قرار بر سقوط صدام و روی کار آمدن شیعیان نبود. اما، در برابر حمله نظامی به عراق در ۲۰۰۳ مخالفت خود را ابراز داشت؛ چون صدام میدان را به شیعیان خالی می‌کرد و این برای عربستان مایه خطر بود. حالا، به نظر می‌رسد که نگرانی عربستان از این ناحیه مرفوع شده است؛ چون بغداد از دو سال بدین‌سو میان ریاض و تهران در آمدوشد است تا این‌که بتواند از سردی رابطه میان این دو کشور بکاهد. منازعه یمن هم تبدیل به منازعه کهنه، مزمن و درازدامن شده است و از تمایل هر دو طرف برای تداوم آن کاسته شده است. منازعه یمن

نشان داد که نه ریاض می‌تواند تهران را از میدان به در کند و نه هم تهران، ریاض را. پس بهتر است کنار آمد و برای برقراری ثبات در منطقه تلاش ورزید. در سوریه هم پس از سال‌ها منازعه خونین و ویرانگر اکنون ثبات نسبی برقرار است. رویارویی مجدد در سوریه برای هر دو کشور به مصلحت نیست و ممکن است از نو به خلق بحران بینجامد.

### ۲- به قدرت رسیدن راست‌گرای افراطی در اسرائیل

روی کار آمدن راست‌گرای افراطی در اسرائیل را می‌توان یکی از زمینه‌های هم‌سویی میان ایران و عربستان خواند. راست‌گراها، ضرورت برقراری صلح با فلسطینی‌ها را انکار می‌کنند و حقوق و امتیازی برای آن‌ها قایل نیستند. آن‌ها نه‌تنها به صلح با فلسطینی‌ها نمی‌اندیشند، که راه حل را در تداوم و گسترش جنگ و خشونت علیه آن‌ها جست‌وجو می‌کنند. از وقتی که بنیامین نتانیاهو بار دیگر به مقام نخست‌وزیری اسرائیل رسیده است، آتش جنگ میان اسرائیل و فلسطینی‌ها از نو شعله‌ور شده و دورنمای صلح تیره‌تر از پیش به نظر می‌رسد. دولت نتانیاهو در جایی انگشت می‌گذارد که درد را افزایش می‌دهد. سیاست شهرک‌سازی در مناطق اشغالی از سوی اسرائیل، عامل عمده تداوم منازعه میان طرفین است که دولت نتانیاهو نه‌تنها از توقف آن چیزی نمی‌گوید، که بر تسریع آن هم تأکید دارد. به هر پیمان‌های که آتش جنگ میان اسرائیل و فلسطین شعله‌ور شود، به همان پیمان‌ها ضرورت هم‌سویی ایران و عربستان برجسته می‌شود. گسترش حملات نظامی از سوی اسرائیل بر فلسطینی‌ها، حساسیت‌ها در دنیای اسلام را افزایش داده و کشورهای اسلامی را از نزدیکی با اسرائیل دور نگه می‌دارد. برای نمونه، چندی قبل آقای نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، قرار بود به امارات متحده عربی سفر کند؛ اما سفر او لغو شد. آگاهان دو موضوع را در لغو سفر او برجسته و موثر می‌دانند: ۱- ممکن بود نتانیاهو علیه ایران سخن‌های تندی ایراد کند که این رابطه ایران و امارات را به‌شدت تیره می‌ساخت؛ ۲- هراس از افکار عمومی مسلمان‌ها به‌ویژه فلسطینی‌ها که این روزها در معرض هجوم نظامیان اسرائیلی قرار دارند. این در حالی است که میان امارات متحده عرب و اسرائیل پیمان عادی‌سازی روابط به امضا رسیده است.

### ۳- برنامه‌های اصلاح‌طلبانه ولی‌عهد عربستان

شور و شوق محمد بن سلمان به اصلاحات را می‌توان در فروکش کردن سطح تنش میان ایران و عربستان موثر خواند. طوری که دیده می‌شود، قطار اصلاحات در عربستان به همت او، به حرکت افتاده است. عربستان در بسی زمینه‌ها، اصلاحات را شاهد بوده است. تنها حوزه‌ای که شامل برنامه‌های اصلاح‌طلبانه ولی‌عهد نیست، گردش قدرت از مجرای دموکراتیک است. اصلاحات در زمینه‌های اجتماعی - فرهنگی خیره‌کننده بوده است. مهم‌ترین نمونه آن مساعد ساختن فضا برای حضور زنان در مشاغل بلند دولتی است. همچنان توجه بی‌پیشینه به ورزش، موسیقی، پذیرش چپان‌گردان و مهاجران و... را نیز می‌توان تلاشی دانست برای دگردیسی اجتماعی در عربستان. تلاش برای نجات عربستان از تکیه بر اقتصاد نفتی و پر کردن جای آن با اقتصاد تولیدی، می‌تواند نمونه دیگری از برنامه‌های اصلاح‌طلبانه ولی‌عهد عربستان باشد. این برنامه‌های اصلاح‌طلبانه در عربستان از آن رو به نزدیکی میان این کشور و ایران کمک می‌کند که اصلاحات با جنگ و نظامی‌گری و دخالت در امور داخلی سایر کشورها نمی‌سازد. برای آن‌که برنامه‌های اصلاحی در عربستان به پایه اكمال رسد، این کشور بایستی از ورود به جنگ‌های نیابتی و هزینه روی خرید ادوات جنگی پرهیز کند. عربستان به نیکی ضرورت پرهیز از ورود به جنگ‌های نیابتی را درک کرده است. به نظر می‌رسد که برنامه‌های اصلاح‌طلبانه را نسبت به



ورود به جنگ‌های نیابتی ترجیح داده است.

### ۴- ناگزیری‌های ایران

ایران هم ناگزیری‌هایی دارد و این ناگزیری‌ها آن را به تعامل با عربستان ترغیب می‌کند. حالا که تازه باب رفاقت میان دو کشور باز شده است، یک طرف آغازگر تلاش برای تأمین رابطه نبوده است. تمایل در هر دو طرف برای تأمین رابطه وجود داشته است. ایران در هیچ برهه‌ای به پیمان‌ها چند ماه اخیر با تهدیدات مواجه نبوده است. اعتراض‌های داخلی برای ایران تبعاتی داشته است. مولوی عبدالحمید هنوز خاموش نشده است. اعتراض او که خود را داعیه‌دار جامعه سنی می‌داند، به سود ایران نیست. همچنان خطر انزوای بین‌المللی ایران را به‌شدت تهدید می‌کند. شایعه‌ها در مورد این‌که ایران گویا در نبرد اوکراین در حمایت از روسیه قرار دارد و همچنان اعتراض‌ها در داخل سطح تهدید انزوای بین‌المللی را برای ایران افزایش داده است. باز شدن باب تعامل با عربستان می‌تواند از سنگینی گرفتاری‌های ایران در داخل و خارج بکاهد.

**پرسش دو:** چرا چین برای ازسرگیری رابطه میان ایران و عربستان پیش‌گام شد؟ آیا ایالات متحده آمریکا در این خصوص نقشی ندارد؟ همین‌طور نقش روسیه چگونه است؟

**۱- نقش چین:** نقش چین در ازسرگیری رابطه میان ایران و عربستان برجسته و تعیین‌کننده است. بغداد مدت چند سال است که به‌مثابه میانجی در این مورد عمل می‌کند، ولی کاری از پیش نبرده است. اما چین توانست مأموریت انجام‌نیافته طی چند سال را در چند روز به انجام رساند. گره کور قابت میان این دو کشور فقط با دستان پرتوان چین باز شد. اگر چین نمی‌بود، به این زودی شاید خبر ازسرگیری روابط میان دو کشور نشر نمی‌شد. در خصوص نقش چین چند نکته شایان تذکر است:

۱-۱ شی جین پنگ، رئیس‌جمهور چین، چندی قبل به عربستان سعودی سفر داشت. مقام‌های چینی در آن سفر از سوی مقام‌های عربستانی به گرمی استقبال شدند. استقبال گرم سعودی‌ها از مقام‌های چینی، واکنش دوستان و رقیبان هر دو کشور را به دنبال داشت. چین برای آن‌که قدر نعمت سعودی‌ها را به‌جا کرده باشد، پای اعلامیه مشترکی امضا کرد و آن را به نشر رساند که ناقض منافع ایران تلقی شد و خشم مقام‌های ایرانی را برانگیخت. حالا، چین برای آن‌که گذشته خود را تلطیف کرده باشد، وارد میدان شده و دو رقیب را کنار هم نشاندہ است. اگر این فرض درست باشد، می‌توان گفت که بیجینگ نمی‌خواهد یکی را فدای دیگری کند؛ بلکه می‌خواهد در تأمین رابطه با این دو کشور حد توازن را نگه دارد و هیچ‌کدام را از دست ندهد.

۱-۲ فرض دوم این است که چین هوس و هوای دیگری در سر دارد. آن هوس و هوا می‌تواند پر کردن جای خالی آمریکا در خاورمیانه باشد؛ البته این در صورتی است که آمریکا بخواهد بساط خود از خاورمیانه برچیند. اگر این فرض درست باشد، چین دقیق و عمیق بازی کرده و ضرب شستی به آمریکا نشان داده است. بیجینگ نشان داد که می‌تواند دوستان و رقیبان آمریکا را توأمان کنار خود نگه دارد. همچنان نشان داد که ظرفیت قدرت برتر شدن را دارد و می‌تواند در فصل خصومت در سطح بین‌المللی نقش ارزنده ایفا کند. چین اگر پا به میدان بگذارد، بعید نیست که بتواند گره کور جنگ اوکراین را هم باز کند.

۱-۳ فرض سوم این می‌تواند باشد که چین با انگیزه اقتصادی برای باز کردن باب تعامل میان این دو کشور وارد میدان شده است. افزایش توان اقتصادی، دغدغه همیشگی چین بوده است. این کشور برای آن‌که بتواند به هدف اقتصادی خود نایل آید، فضای عاری

از خشونت و نظامی‌گری را می‌پسندد. حالا، بیجینگ برای آن‌که بتواند بستر خود را در خاورمیانه خوب‌تر بگستراند، لازم دانسته در گام نخست، ریشه‌های نزاع و خشونت را قطع کند؛ چون می‌داند که بخش عظیمی از نابه‌سامانی‌ها در خاورمیانه در رقابت میان ایران و عربستان نهفته است. جدا از انگیزه اقتصادی، می‌توان این‌گونه فهمید که برقراری ثبات و امنیت برای چین فاقد اهمیت است. آمریکا که پس از جنگ جهانی دوم جای خالی انگلیس و فرانسه را در خاورمیانه پر کرد، کوچک‌ترین کاری برای تأمین ثبات و امنیت در این منطقه انجام نداد. نه‌تنها در ختم منازعه میان اعراب و اسرائیل تلاش نورزید، که تلاش کرد کشورهای عرب سنی را هم در مصاف ایران قرار دهد و قوغ منازعه را تازه‌تر و سوزان‌تر نگه دارد.

**۲- نقش آمریکا:** به نظر می‌رسد که عربستان برای ازسرگیری رابطه با ایران، رضایت آمریکا و متحدان آن را به دست آورده است، ورنه چنین چرخشی می‌تواند عربستان را از کانون توجه آمریکا و متحدان آن به دور اندازد. از دیگر سو، آمریکا خود به بهبود رابطه با ایران تمایل دارد. ازسرگیری رابطه میان عربستان و ایران، می‌تواند آمریکا را به این هدف نزدیک‌تر سازد. در خصوص نقش آمریکا، توجه به نکات ذیل درخور اهمیت است:

۱-۲ آمریکا هیچ‌گاهی تمایل به حمله نظامی به ایران ندارد؛ چون از تبعات آن هراس دارد. اما اسرائیل، متحد استراتژیک آمریکا در خاورمیانه، خود را متعهد به حمله نظامی به ایران می‌داند. از وقتی که راست‌گرای افراطی در اسرائیل قدرت را به دست گرفته‌اند، خشم این کشور نسبت به ایران فزونی یافته است و هر دم ایران را تهدید به حمله نظامی می‌کند. اسرائیل و لابی آن می‌خواهند پای آمریکا را به میدان جنگ بکشند؛ چیزی که آمریکا هرگز نمی‌خواهد. آمریکا برای آن‌که بتواند خطر حمله نظامی به ایران از سوی اسرائیل را خنثا سازد، به تأمین رابطه عربستان با ایران رضایت داده است؛ چون اسرائیل هم‌زمان نمی‌تواند هم با دنیای عرب بجنگد و هم با ایران. برای حاضر، آمریکا به خاطر از جنگ با ایران گریز می‌کند که نمی‌خواهد خود را در چند جبهه درگیر سازد.

۲-۲ آمریکا تمایل به احیای برجام دارد. ایران همچنان. سفر آقای رافایل گروسی، مدیر کل اژانس بین‌المللی انرژی اتمی، به ایران و ابراز خوش‌بینی او از دیدار با مقام‌های ایرانی، نشان می‌دهد که احیای برجام برای ایران در اولویت است. عربستان اگر اراده کند، می‌تواند نقشی مهم در احیای این توافق ایفا کند. احیای برجام می‌تواند شایبه حمایت ایران از روسیه در جنگ اوکراین را نابود ساخته و تهران را از افتادن به کام روسیه و چین دور نگه دارد. خطر حمله نظامی اسرائیل به ایران را برطرف کند و به بهبود رابطه میان ایران و آمریکا بینجامد.

**۳- نقش روسیه:** تنها قدرتی که از نزدیکی ایران و عربستان در دل ناخرسند است، روسیه است. روسیه می‌داند که نزدیکی ایران و عربستان نه‌تنها ایران را به روسیه و چین نزدیک‌تر نمی‌سازد، بلکه به بهبود رابطه آن با آمریکا و متحدانش یاری می‌رساند. روسیه رضایت به تداوم منازعه میان ایران و عربستان و همین‌طور ایران و اسرائیل دارد. می‌توان گفت که روسیه حتا رضایت به حمله نظامی از سوی اسرائیل به ایران دارد؛ چون فکر می‌کند که این حمله پای آمریکا و متحدان آن را به میدان جنگ می‌کشاند. زمانی که جبهه جدیدی علیه غرب در خاورمیانه باز شود، بی‌گمان از سنگینی بار جنگ اوکراین کاسته می‌شود و روسیه می‌تواند نفس تازه کند. اگر چنین اتفاقی بیفتد، روسیه فکر می‌کند که چین هم به سوی تایوان چنگ و دندان تیز می‌کند و این می‌تواند به تضعیف جبهه غرب و تقویت جبهه روسیه بینجامد.

**پرسش سه:** آیا ازسرگیری رابطه میان ایران و عربستان سیمای خاورمیانه را تغییر خواهد داد؟ پاسخ این پرسش، بلی است. از آن‌جایی که ایران و عربستان دو قدرت بزرگ در خاورمیانه به شمار می‌روند، وصل و فصل این‌ها می‌تواند بر ثبات و بی‌ثباتی این منطقه موثر باشد. ازسرگیری رابطه میان ریاض و تهران، می‌تواند پیامدهای ذیل را به دنبال داشته باشد:

ادامه در صفحه ۵

# آزمون دشوار برای سازمان ملل متحد



هنگامه قاسمی

سازمان ملل متحد در طول حدود ۷۸ سال از تأسیس خود، امروز بیش از هر وقت دیگر در جغرافیای افغانستان تحت سلطه امارت اسلامی در راستای نهادینه کردن حقوق زنان در آزمون دشواری قرار دارد. سازمان ملل در سال ۱۹۴۵م به هدف حفظ امنیت و صلح جهانی و نیز احترام به کرامت بشری پا به عرصه وجود نهاد. زنان به عنوان نیم پیکر جامعه مورد توجه همه نهادها اعم از نهادهای بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی قرار گرفته‌اند. چنانچه سازمان ملل در وهله نخست در منشور خود به لزوم رعایت تساوی زن و مرد توسط کشورهای عضو تأکید کرده و از طریق تأسیس نهادهای ویژه زنان، تصویب اسناد بین‌المللی و برگزاری کنفرانس‌های جهانی جهت تقویت رویکرد جنسیتی و هنجارسازی در زمینه زنان در بخش‌های مختلف اعم از حیات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نقش و فعالیت به‌سزایی داشته است. از آغاز سال‌های فعالیت خود توجه به حقوق زنان را جزو مهم ماموریت‌های خود قرار داده و توانسته است خود را به‌عنوان مدافع حقوق زنان در سطح بین‌الملل مطرح کند. به رغم اقدامات و فعالیت سازمان ملل متحد در جهت بهبود و ارتقای وضعیت زنان، در پی تحولات ناشی از سقوط نظام جمهوری هئوز خشونت، بی‌عدالتی، ظلم و ستم علیه زنان در این کشور بی‌داد می‌کند.

مردم افغانستان بیش از چهار دهه است که در اثر جنگ و ناامنی و آثار ناشی از آن به‌ویژه برای زنان و دختران نتوانسته است به یک صلح پایدار که در پرتو آن زنان کشور به حقوق خود نایل شوند، دست یابد. اوج نقض حقوق زنان در این سال‌ها، ظهور طالبان از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ بود که در ذهن زنان افغانستان به دلیل عدم بهره‌مندی از هر گونه حق اولیه‌شان به‌عنوان تارترین سال‌های حیات حک شده است. بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در کنفرانس بُن تحت نظارت سازمان ملل متحد طرحی را برای شکل‌گیری دولت جدید در افغانستان و چگونگی اداره آن با توجه به مسایل اساسی همچون حقوق بشر، حقوق زنان، آزادی بیان و مطبوعات ریخته شد. در این میان، موضوع حقوق زنان، یکی از خطوط مقدم تلاش‌های دولت‌سازی قرار گرفت؛ طوری که وضعیت نامناسب و مشقت‌بار این طبقه در حکومت طالبان یکی از توجیحات ورود غرب به کشور بود. در آن کنفرانس حضور زنان در دولت آینده افغانستان مورد توجه قرار گرفت و بر موضوعاتی مثل «توسعه و زن»، «امنیت و مسکن زنان» و تأسیس «نهادهای و انجمن‌های ویژه زنان» و نیز حضور جدی زنان در دولت تأکید صورت گرفت. با تشکیل حکومت جدید، سازمان ملل متحد برای ارتقا و ترویج حقوق زنان و حمایت از آنان برنامه‌های وسیعی را هم در سطح توده و هم در سطح نخبه‌گان به راه انداخت و دولت جدید نیز در تمامی سیاست‌های ملی

تحصیل و کار و خانه‌نشینی بخش تاریک زنده‌گی را برای زنان کشور رقم زده است.

هرچند نمی‌توان رشد و پیشرفت زنان در دو دهه را نادیده گرفت، ولی خلاف تمام تلاش‌های سازمان ملل متحد برای ارتقای وضعیت زنان و ترویج حقوق آن‌ها، باز هم با تغییر نظام سیاسی در اگست ۲۰۲۱ زنان افغانستان خانه‌نشین شده و از تمام حقوق سیاسی و اجتماعی خود محروم شده‌اند. زنان پیوسته مورد تبعیض قرار داشته، از حقوق قانونی خویش محروم شده‌اند. با بسته شدن دروازه‌های مکاتب و دانشگاه‌ها، حق آموزش و تحصیل آن‌ها سلب شده است و عدم حاکمیت قانون به ادامه این وضع کمک می‌کند. این موارد اقدامات سازمان ملل را برای حمایت و رشد زنان ناکام می‌کند.

طبق آخرین اطلاعات، طالبان از شروع دروس دانشگاه‌ها صرفاً برای پسران، نه دختران، خبر داده‌اند و دختران در بلا تکلیفی محض به سر می‌برند. زنان تا حال از کار و فعالیت در ادارات دولتی و غیردولتی به استثنای موارد محدود محروم‌اند. اگر سازمان ملل متحد و نهادهای وابسته به آن در کنار ابراز نگرانی از اوضاع زنان، اقدام محکم و قاطعانه در راستای حمایت از زنان نکنند، بی‌تردید از یک سو ضربه شدید به اعتبار خود در سطح بین‌الملل وارد می‌کنند و مهر تایید بر ناتوانی خود در جلوگیری از نقض حقوق زنان می‌زنند و از سوی دیگر سایر حقوق و مطالبات زنان این کشور بیهوده و بی‌اثر خواهد شد.

ما زنان افغانستان پس از تجربه یک دوره تاریک از حکومت طالبان تا سال ۲۰۰۱م و با تحمل بیش از یک‌ونیم سال ظلم و بی‌عدالتی، یک بار دیگر برای تغییر و تحول، آرامش و بهبود شرایط کنونی خود دست به دامان جامعه جهانی و ملل متحد شده‌ایم. اگر جامعه جهانی به‌خصوص سازمان ملل امروز برای ما کاری انجام ندهد، چه زمانی انجام خواهد داد؟ اگر امروز مورد بی‌لطفی جامعه جهانی قرار بگیریم، دیگر وعده و ادعای جهانیان مبنی بر حمایت از حقوق زنان برای ما سربای بیش نخواهد بود. اگر امروز به ما توجه نشود، نمی‌دانم سرنوشت ما چه خواهد شد؟

سازمان ملل متحد که در طول سال‌ها فعالیت بارها به دلیل ناتوانی‌اش در ایفای نقش حقوقی و سیاسی در عرصه بین‌المللی مورد انتقاد قرار گرفته و در بسیاری از موارد متهم به استفاده سیاسی از مفاهیم حقوقی شده است، اکنون بهترین فرصت است که با به رسمیت نشناختن و تحت فشار قرار دادن طالبان و نیز ایجاد تغییر در وضعیت زنان افغانستان، اعتبار خود را ترمیم کند.

از طریق تصویب قوانین و پیوستن به اسناد بین‌المللی عرصه را برای ارتقای وضعیت زنان مساعد ساخت. اقدامات این سازمان باعث شد که زنان از حالت انسداد مطلق به افتتاح و تحرک برسند و به این ترتیب زمینه انسجام بیرونی و ورود آن‌ها در اجتماع فراهم آمد. تعداد قابل توجهی از زنان مناصب دولتی را در اختیار گرفتند. همچنان اعلام نامزدی در انتخابات، عضویت زنان در نهادهای سیاسی، جنبش‌ها و جامعه مدنی، تأسیس احزاب سیاسی و حضورشان در تصمیم‌گیری‌های کلان از مواردی است که در دوره پساتالبان مورد توجه حکومت قرار گرفت. این موارد برای عادی‌سازی و به رسمیت شناختن حضور زنان در سیاست، خیلی ارزنده محسوب می‌شود.

البته در کنار همه نکات یادشده، بررسی‌ها نشان می‌دهد که این پیشرفت‌ها برای یک عده زنان و دختران تحصیل کرده و فعال در مراکز ولایات، طبقات متوسط و بالای جامعه افغانستان اتفاق افتاده است که همیشه به‌عنوان نماینده‌گان زنان در صحنه حضور داشته‌اند. از این رو، روایات مبنی بر رشد و پیشرفت زنان کشور واقعیت جامعه روستایی و زنان طبقات فرودست را که درصدی بالای زنان افغانستان را تشکیل می‌دهند، در بر نمی‌گیرد.

با روی کار آمدن دوباره طالبان در ۱۵ اگست ۲۰۲۱، زنان بار دیگر از اساسی‌ترین حقوق خود محروم شده‌اند و حق اشتراک در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی از آنان گرفته شده است. بسته شدن مکاتب و دانشگاه‌ها، ممنوعیت کار و سفر بدون محرم و پوشش حجاب اجباری از ملموس‌ترین دستوراتی است که علیه زنان افغانستان وضع شده است. این سیاست که از یک حکومت تندرو و افراطی نشأت می‌گیرد، تداوم بیشتر آن می‌تواند زنان افغانستان را به انسان‌های منزوی تبدیل کند و یک نسل سرخورده از آنان را تقدیم جامعه افغانستانی سازد که همین اکنون هم شاهد آثار سوء این سیاست‌ها هستیم.

با این حال، در این مدت زنان کشور هرچند به تعداد محدود به‌عنوان حافظان اصلی آزادی و تمثیل‌کننده‌گان واقعی مردم‌سالاری، با وجود مشکلات فراوان، میدان مبارزه علیه قوانین و فرامین سخت‌گیرانه طالبان را خالی نگذاشته‌اند و هر از گاهی صدای عدالت‌خواهی‌شان را بلند می‌کنند. این عدالت‌خواهی و اعتراض‌شان در فضای ترس وحشت، بیانگر رشد و توان‌مندی زنان در دو دهه گذشته است. با این حال، محرومیت از حق

## ایران و عربستان؛

از صفحه ۴

### ۱- انزوای اسرائیل

در خاورمیانه تنها کشوری که از ناحیه نزدیکی عربستان با ایران ضرر می‌کند، اسرائیل است. اسرائیل پس از ختم جنگ عراق و ایران تا این دم تقلائی فراوان به خرج داده است تا کشورهای عرب سنی را در مصاف ایران متحد و یک‌دست نگه دارد. آمریکا هم اسرائیل را در این مسیر یاری رسانده است. نمونه آن می‌تواند امضای پیمان قرارداد ابراهیم میان اسرائیل از یک سو و امارات متحده عرب و بحرین از سوی دیگر باشد. این پیمان با اصرار و ابرام دونالد ترامپ، رئیس جمهور پیشین آمریکا، در ۱۳ اگست ۲۰۲۰ به امضا رسید. همچنان روی دوری‌گزینی ترکیه و آذربایجان از ایران نیز از سوی اسرائیل و آمریکا سرمایه‌گذاری‌های فراوان صورت گرفته است. اسرائیل تا این دم از کشورهای عرب سنی، ترکیه و آذربایجان کوشیده است به‌مثابه نیروی موازنه‌ساز علیه ایران استفاده کند تا این‌که بتواند نفوذ منطقه‌ای ایران را مهار کند. حالا، نزدیکی عربستان با ایران می‌تواند این فرصت را از چنگ اسرائیل برباید؛ چون کشورهای عرب سنی عمدتاً در مسیری قدم می‌گذارند که عربستان می‌خواهد. در صورتی که از سرگیری رابطه میان ایران و عربستان عملی شود و عمر طولانی داشته باشد، انزوای شدید منطقه‌ای نصیب اسرائیل خواهد شد.

### ۲- توقف مسابقه تسلیحاتی

خاورمیانه پس از جنگ اول جهانی بدین سو، میدان

امریکا ۰.۸ درصد است (میلتون ادواردز و پیتر هینچ کلیف، ۱۳۹۰: ۴). حالا از سرگیری رابطه میان ایران و عربستان می‌تواند به جنگ‌های نیابتی در خاورمیانه نقطه پایان گذارد و این می‌تواند دولت‌های نفتی حوزه خلیج را از مسابقه تسلیحاتی به سمت تمرکز بر اقتصاد تولیدی سوق دهد.

### ۳- دریافت راه حل برای ختم منازعه فلسطین

منازعه فلسطین با آن‌که درد مشترک کشورهای اسلامی است، ولی تا این دم نتوانسته است ایران و عربستان را متحد نگه دارد. ختم منازعه فلسطین، وحدت کشورهای اسلامی را می‌طلبد، نه جدایی آن‌ها را. رقابت عربستان و ایران سبب شده بود تا توجه کشورهای اسلامی آبه استثنای ایران از منازعه فلسطین برکنده شود. اگر راه حل منطقه‌ای بتوان برای بحران فلسطین تصور کرد، آن راه حل فقط می‌تواند وحدت نظر میان ایران و عربستان باشد. همچنان اگر راه حل فرمانطقه‌ای بتوان برای بحران فلسطین تصور کرد، آن راه حل می‌تواند هم‌سویی ایران و عربستان با آمریکا باشد. حالا که عربستان و ایران پیمان رفاقت بسته‌اند و آمریکا هم به نحوی هوادار این پیمان است، می‌توان گفت که بیش از هر زمانی دیگر زمینه برای پایان دادن به منازعه فلسطین مساعد شده است؛ مشروط بر این‌که آمریکا صادقانه وارد میدان شود و فشارهای لازم را بر اسرائیل وارد کند.

### نتیجه‌گیری

گفته آمدم که ریسمان قدرت در خاورمیانه در چنگ ایران و عربستان قرار دارد. رفاقت و رقابت این دو،

بر ثبات و بی‌ثباتی این منطقه تاثیرگذار است؛ چون دو بلوک مهم قدرت به شمار می‌روند. همچنان گفته آمدم که زمینه‌های هم‌سویی میان ایران و عربستان بیشتر است نسبت به زمینه‌های ناهم‌سویی. از مواردی چون رنگ باختن منازعه عراق، یمن و سوریه، برنامه‌های اصلاح‌طلبانه عربستان، ناگزیری‌های ایران و به قدرت رسیدن راست‌گرای افراطی در اسرائیل به‌مثابه زمینه‌های هم‌سویی میان دو کشور نام برده شد. همچنان از نقش چین در گشودن باب رفاقت میان دو کشور گفته شد. همین‌طور به اهداف چین که می‌تواند تلطیف رابطه با ایران، رقابت با آمریکا در خاورمیانه و یا هم افزایش توان اقتصادی باشد، پرداخته شد. به نقش آمریکا نیز پرداخته شد. گفته شد که آمریکا به از سرگیری رابطه میان ایران و عربستان رضایت دارد؛ چون از یک سو خواهان حمله نظامی به ایران نیست و از دیگر سو، هوادار احیای برجام است. به نقش روسیه نیز اشاره شد که از تأمین رابطه میان ایران و عربستان ناخرسند به نظر می‌رسد. در اخیر به پیامد و آثار از سرگیری رابطه میان دو کشور پرداخته شد. انزوای اسرائیل، توقف مسابقه تسلیحاتی و ختم بحران فلسطین می‌تواند نتایجی باشد که دوستی میان ایران و عربستان به دنبال خواهد داشت؛ مشروط بر این‌که این دوستی بقا یابد و زود جای خود را به دشمنی خالی نکند.

### منبع:

۱- میلون ادواردز، بولی و پیتر هینچ کلیف (۱۳۹۰)، بحران در خاورمیانه، ترجمه: شهرزاد رستگار شریعت‌پناهی، چاپ دوم، تهران: نشر قومس.

## چهارشنبه سیاه بلخ؟

## طالبان چه کسانی را تیرباران کردند؟

امین کاوه

طالبان در جریان بیش از یک سال گذشته غیرنظامیان زیادی را در افغانستان به قتل رسانده‌اند. این گروه با وجود اعلام عفو عمومی، از انتقام‌گیری‌ها و قتل‌های هدفمند دست برنداشته‌اند. از سوی دیگر جنگ‌جویان طالبان تجربه جنگ چریکی و انجام حملات انتحاری زیادی را در کارنامه دارند، اما در عرصه تامین امنیت و تنفیذ قانون در جامعه آموزش لازم را کسب نکرده‌اند. در تازه‌ترین مورد، این گروه در بلخ در دو مورد جداگانه بیش از ۲۰ شهروند کشور را تیرباران کرده است. هشت تن را که طالبان به قتل رسانده‌اند، همه آنان اعضای یک خانواده بوده‌اند. بازمانده‌گان این خانواده ادعا دارند که طالبان بسته‌گان آنان را در جریان یک مهمانی به قتل رسانده و همه کشته‌گان تجارت‌پیشه بوده و شرکت ساختمانی و لوجستیکی داشته‌اند. با این حال کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان از رویکردهای فراقانونی و انتقام‌گیری‌های طالبان ابراز تاسف کرده و از خانواده‌های قربانیان خواسته است که اسناد و دلایل‌شان را با این کمیسیون در میان بگذارند.

جنگ‌جویان قطعه ۸۸۸ طالبان چهارشنبه‌شب، ۱۷ حوت، هشت تن را در منطقه حاجی ایوب، از مربوطات حوزه هفتم شهر مزارشریف، در یک مهمانی به قتل رسانده‌اند. مسوولان محلی این گروه در بلخ با نشر خبرنامه‌ای ادعا کرده‌اند که آنان در یک جریان عملیات اوپراتیوی هشت تن را که قصد «آدم‌ربایی و باغی‌گری» داشتند را کشته‌اند. این گروه روز پنج‌شنبه، ۱۸ حوت، اجساد کشته‌گان را در شهر نیز به نمایش گذاشته‌اند. با این حال منابع در بلخ ادعا می‌کنند که این گروه در یک درگیری ساخته‌گی دست‌کم هشت عضو یک خانواده را به قتل رسانده است و تصاویری که از جان‌باخته‌گان این حادثه منتشر کرده، هیچ نشانه‌ای از درگیری مسلحانه ندارد. ۸ صبح صحت‌وسقم این تصاویر را تایید نمی‌کنند، اما اعضای خانواده‌های قربانیان نیز این تصاویر را ساخته‌گی عنوان کرده و خواستار تحقیق سازمان ملل در این زمینه شده‌اند.

اعضای خانواده و نزدیکان این قربانیان یک روز پس از قتل آنان، اجساد جان‌باخته‌گان را به کابل انتقال دادند و می‌خواستند در مقابل دروازه دفتر هیات معاونت سازمان ملل متحد (یوناما) اعتراض کنند، اما با مخالفت شدید طالبان مواجه شدند. این گروه بازمانده‌گان چهارشنبه خونین بلخ را اخطار داده و رسانه‌ها را نیز از پوشش این اعتراض منع کرده است. یکی از بازمانده‌گان این حادثه که برادرزاده و چند عضو دیگر خانواده‌اش را از دست داده است، به روزنامه ۸ صبح می‌گوید: «طالبان رسانه‌ها را از همان‌جا [مقابل دفتر یوناما] دواندند. ما مردم را از همان‌جا رخصت کردند و گفتند قطعاً پیش یوناما اجازه نمی‌دهیم، بیایید مشکل‌تان را ما [طالبان] حل می‌کنیم.» او تصریح می‌کند که طالبان پس از منع انتقال جنازه‌های آنان به مقابل دفتر هیات معاونت سازمان ملل متحد، برای‌شان گفته‌اند که این مشکل را از طریق موسفیدان حل می‌کنند. او می‌افزاید: «طالبان گفتند ریش‌سفیدهای‌تان را بیاورید. طالبان چه مشکل حل کرده می‌توانند؟ حال کل دنیا را برای ما بدهند، چه سودی دارد؟ کاش کل ساختمان را چپه می‌کردند، اما عزیزان ما را به قتل نمی‌رساندند. این‌ها [طالبان] سه موتر ما را با خود برده‌اند، قید کرده‌اند. برای‌شان [طالبان] گفتم شما چه مشکل ما را حل می‌کنید، مردم را حالا کشته‌اید.»

او که اندوه و درد از دست دادن عزیزانش مجال صحبت کردن برایش نمی‌دهد، با گلوی پر از بغض علاوه می‌کند که طالبان بدون هیچ بررسی‌ای بر اعضای خانواده او شلیک کرده‌اند و از همین رو آنان مشکل‌شان را حل کرده نمی‌توانند. او از سازمان ملل متحد می‌خواهد که به صدای آنان گوش دهد. این بازمانده قربانیان حادثه بلخ علاوه می‌کند: «برای طالبان گفتم مشکل ما را شما حل کرده نمی‌توانید، به کدام اسناد کشته‌اید؟ به نام



**با این حال نعیم نظری، سرپرست کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، در صحبت با روزنامه ۸ صبح از رویکردهای «فراقانونی» طالبان ابراز تاسف می‌کند. آقای نظری تاکید می‌ورزد: «با تاسف رویکردهای فراقانونی، تحت چتر حاکمیت طالبان به شدت ادامه دارد.»**

تیرباران کرده‌اند. براساس ادعای منابع، افراد تیرباران شده تاجیک و هزاره هستند. بربنیاد اطلاعات منابع، چهار تن از این کشته‌گان نیروهای امنیتی پیشین بوده‌اند.

شماره	نام	ولد	سن	محل	موسسه	ولسوالی	ولایت	محل تیرباران
۱	عبدالله شعیب‌الله	هیرالله	۲۹-۳۰	نهرتپیشه	کابلپور	فره‌ای	نهمان	حاجی ایوب، مزارشریف
۲	محمدالله محب‌الله	هیرالله	۲۹-۳۰	نهرتپیشه	کابلپور	فره‌ای	نهمان	حاجی ایوب، مزارشریف
۳	عبدالله حبیب‌الله	طالب	۲۶-۲۷	نهرتپیشه	کابلپور	فره‌ای	نهمان	حاجی ایوب، مزارشریف
۴	بشیر	طالب	۲۵-۲۶	نهرتپیشه	کابلپور	فره‌ای	نهمان	حاجی ایوب، مزارشریف
۵	بختیار	طالب	۲۱-۲۲	نهرتپیشه	کابلپور	فره‌ای	نهمان	حاجی ایوب، مزارشریف
۶	پرواز	نبارس	۱۷	نهرتپیشه	کابلپور	فره‌ای	نهمان	حاجی ایوب، مزارشریف
۷	کاتبی	کاتبی	۲۴	بازوخل	کابل	کابل	کابل	حاجی ایوب، مزارشریف
۸	سبحان شاه	احمدزی						

افزون بر این، نزدیکان یک مرد دیگر به نام صادق که او نیز روز چهارشنبه، ۱۷ حوت، در شهر مزارشریف از سوی طالبان به قتل رسیده است، می‌گویند که او ترکاری‌فروش بوده و اخیراً خرید و فروش مواشی را نیز آغاز کرده بود. نزدیکان صادق به روزنامه ۸ صبح می‌گویند: «صادق قبلاً در شهر مزارشریف ترکاری‌فروشی داشت. حدود سه ماه قبل، خریدوفروش مواشی را شروع کرده بود. ساعت ۹:۳۰ روز چهارشنبه، در دکان ترکاری‌فروشی بود. بعد از آن طرف پل خمیری رفت. شریکانش گوسفند و بره خریده بودند. ساعت‌های ۱۲:۰۰ تا ۰۱:۰۰ بجه بعدازظهر اطلاعات رسید که صادق کشته شده است. طالبان گفتند که این‌ها در یک بلاک در کارته صلح سرعت می‌کردند و در درگیری با نیروهای آنان کشته شده‌اند، در حالی که جسد او در پیش پل تصدی بوده است. در پیش پل تصدی او را کشته‌اند.»

در همین حال یک منبع که بر اوضاع بلخ اشراف دارد و نمی‌خواهد نامش در این گزارش ذکر شود، در مورد حوادث اخیر بلخ به ۸ صبح می‌گوید: «این رویدادها مشخص است که بخش اعظم آن اختلافات درونی

طالبان است و بخشی دیگر آن سرکوب هر کسی با هر نامی که با طالب و تفکر آنان مخالفت داشته باشد. بهانه خوبی برای کشتن دیگران اسم گذاشتن است و آن اسم بهتر از همین نام [داعش] که گذاشته‌اند که دنیا را نیز قانع کنند، چه بوده می‌تواند؟»

با این حال نعیم نظری، سرپرست کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، در صحبت با روزنامه ۸ صبح از رویکردهای «فراقانونی» طالبان ابراز تاسف می‌کند. آقای نظری تاکید می‌ورزد: «با تاسف رویکردهای فراقانونی، تحت چتر حاکمیت طالبان به شدت ادامه دارد.»

سرپرست کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان می‌افزاید: «در مواردی، نظامیان پیشین مورد انتقام‌گیری قرار می‌گیرند و با برچسب‌های داعش، دزد و اختطاف‌گر به قتل می‌رسند و در مواردی هم افرادی که میانه خوبی با طالبان ندارند، با همین برچسب‌ها بدنام‌سازی شده و به قتل می‌رسند. مواردی هم وجود دارد که طالبان بربنیاد اطلاعات نادرست افراد، مغرضانه عمل کرده و آسیب‌هایی به شهروندان رسانیده‌اند.» آقای نظری علاوه می‌کند: «بدنام‌سازی افراد، راه‌اندازی محاکم صحرایی و کشتن افراد بی‌گناه، به هیچ وجه نمی‌تواند توجیه‌پذیر باشد. ما از خانواده‌های قربانیان و سایر شهروندان می‌خواهیم که اسناد و دلایل خویش را با کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان شریک بسازند تا ما بتوانیم با حفظ حریمیت و بدون این‌که ضرری به آنان برسد، اسناد مذکور را ثبت و در سطح بزرگ‌تری برای‌شان دادخواهی کنیم.»

از سوی دیگر شماری از دادستان‌های پیشین نیز این اقدام طالبان را «انتقام‌گیری و خودسری» عنوان می‌کنند. به گفته آنان، در جایی که قانون حاکمیت نداشته باشد، هیچ کسی در هیچ سطح مصونیت ندارد. از نظر این دادستانان پیشین، طالبان خودسرانه و بدون هماهنگی با دادگاه و دادستانی بربنیاد اطلاعات نادرست عمل می‌کنند. به باور آنان، طالبان در کنار انتقام‌گیری از نیروهای امنیتی پیشین، براساس اطلاعات نادرست، غیرنظامیانی را که هیچ پیوندی با طرف‌های درگیر در افغانستان ندارند، به قتل می‌رسانند.

احمدشکیب (نام مستعار) از یکی از دادستانان پیشین که در زیر پرچم طالبان زندگی سختی را پشت سر می‌گذراند، در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید: «وقتی قانون نباشد، هر کسی در هر سطح مورد قتل و تهاجم قرار می‌گیرد. سارنوالی صلاحیت ندارد، محکمه خبر ندارد، جنگ‌جویان طالب خودشان هم قاضی‌اند و هم سارنوال. در گذشته عملیات براساس حکم قانون صورت می‌گرفت و تمام زوایا و جوانب قضیه بررسی می‌شد. حالا هیچ کسی مصونیت ندارد؛ چون قانون نیست. اتفاق‌هایی صورت گرفته که طالبان وقتی می‌خواستند یک نیروی امنیتی سابق را به قتل برسانند، براساس اطلاعات غلط یک دکان‌دار یا ترکاری‌فروش را به قتل رسانده‌اند.»

این‌همه در حالی است که طالبان روز جمعه، ۱۹ حوت، یک عروس را در ایست بازرسی در ولسوالی کوزکنر ولایت ننگرهار به قتل رسانده‌اند. منابع به روزنامه ۸ صبح گفته‌اند که این عروس پس از آن از سوی طالبان کشته شده که صدای موسیقی در داخل موتر بلند بوده است. طالبان روی همین دلیل بالای موتر گل‌پوش عروس گلوله‌باری کرده‌اند. پیش از این نیز طالبان بارها غیرنظامیان را در ایست‌های بازرسی به قتل رسانده‌اند.

با این حال، ریچارد بنت، گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد، در گزارش تازه خود اقدامات طالبان علیه غیرنظامیان را مصداق بارز جنایت علیه بشریت خوانده است.

در همین حال رزا اوتونبایوا، رییس هیات معاونت سازمان ملل متحد (یوناما)، روز چهارشنبه، ۱۷ حوت، در شورای امنیت سازمان ملل متحد گفت که طالبان به‌طور رضایت‌بخش قادر به مقابله با گروه‌های تروریستی در داخل افغانستان نیستند.



## تیم ملی کرکت زیر سن ۱۹ سال افغانستان در برابر بنگلهدیش پیروز شد

۸صبح، کابل: تیم ملی کرکت زیر سن ۱۹ سال افغانستان در اولین مسابقه خود در برابر تیم ملی کرکت زیر ۱۹ سال بنگلهدیش به پیروزی دست یافت.

ملی پوشان جوان کشور روز دوشنبه، ۲۲ حوت، در سلسله مسابقات یک روزه به مصاف تیم بنگلهدیش رفتند.

ملی پوشان کشور با توپزنی سهیل خان و توپاندازی یما عرب و فریدون داودزی در بازی نخست تیم بنگلهدیش را با تفاوت ۱۵۸ دوش با شکست مواجه کردند.

بازیکنان بنگلهدیش برنده قرعه بازی شدند و تصمیم گرفتند ابتدا توپاندازی کنند.

تیم افغانستان در ۵۰ آور تعیین شده با از دست دادن ۶ بازیکن خود ۲۷۱ دوش به دست آورد و به نفع تیم افغانستان سهیل خان ۱۰۰ دوش، سلیمان عرب ۵۵ دوش و محمد هارون ۴۳ دوش انجام دادند.

توپاندازان افغان خوش درخشیدند و تیم بنگلهدیش را پس از به دست آوردن ۱۱۳ دوش از میدان بیرون راندند.

یما عرب به نفع تیم افغانستان چهار ویکت و فریدون داودزی ۳ ویکت به دست آوردند؛ در ادامه بازی نصیر حسن و کامران هوتک هر کدام به ترتیب دو و یک ویکت کسب کردند.

سهیل خان نیز به دلیل کسب کردن صد دوش به عنوان بهترین بازیکن این مسابقه انتخاب شد. قرار شد دومین بازی یک روزه این دو تیم چهارشنبه آینده در همین میدان برگزار شود.



# چراغ روشن امید در خانه محبوبه



محبوبه در حال ملاحظه کارخانه‌گی یکی از دانش آموزان

جامعه انجام بدهم. به این فکر بودم که همسایه‌ها از من خواستند تا به کودکان‌شان آموزش بدهم. این یک انگیزه بود برای من و یک جرعه بود. با خود گفتم وقتی این‌ها حاضرند در چنین شرایطی کودکان‌شان را به این‌جا بفرستند، من چرا نتوانم؟

محبوبه از مادر خود به عنوان یکی از حامیان اصلی‌اش در ایجاد این مکتب پنهانی برای دختران یاد می‌کند. او زمانی که تصمیم می‌گیرد دختران را آموزش بدهد، مادرش از این کارش استقبال می‌کند و می‌گوید: «من به داشتن چنین دختری افتخار می‌کنم.»



محبوبه در حال تدریس دختران دانش آموز

در اوج ناامیدی ایجاد مکتب پنهانی امید تازه‌ای برای محبوبه به میان آورده است تا به زنده‌گی خود ادامه دهد و مشعل آموزش را زنده نگه دارد. او می‌داند که این کارش خطرناک است، اما به راهش ادامه می‌دهد و دختران را همه‌روزه در ساعت‌های مختلف روز به خانه می‌آورد و به آن‌ها مضامین مختلف درسی را آموزش می‌دهد. یک قاب عکس و یک تخته نقاشی، دو چیزی است که محبوبه با استفاده از آن‌ها تدریس می‌کند. در این صنف پنهانی دخترانی از صنف‌های مختلف و با قد و قامت‌های متفاوت حضور دارند و برای آینده روشن درس می‌خوانند.



در این‌جا تنها محبوبه نیست که دل به دریا زده و هر روز با قیمت جانش به دختران آموزش می‌دهد. زینب (نام مستعار) دانشجوی دیگری است که محبوبه را در این مبارزه همراهی می‌کند و دوشادوش او برای آینده روشن کودکان محروم از آموزش، می‌رزد. زینب نیز دانشجوی دانشگاه کابل است که همانند سایر دختران جوان کشور از رفتن به دانشگاه محروم شده است.

زینب می‌گوید: «وقتی دروازه دانشگاه بسته شد، دیگر چاره‌ای جز باز کردن این مکتب پنهانی برای ما نمانده بود. دختران زیادی از صنف‌های مختلف در این‌جا می‌آیند و درس می‌خوانند.»

خانواده‌هایی که با تصمیم طالبان مبنی به مسدود بودن مکاتب به روی دختران موافق نیستند، برای این‌که فرزندان‌شان از آموزش بی‌بهره نمانند، دختران خود را به این صنف درسی می‌فرستند. آرزو وقتی طالبان وارد افغانستان شد، صنف هفتم مکتب بود. طالبان در فرمانی او و همه دانش‌آموزان مکاتب متوسطه و لیسه دخترانه را از ادامه آموزش محروم کرده‌اند. آرزو اما متوقف نشده و حالا هر روز به این مکتب پنهانی می‌آید و با دیگر دختران مصروف فراگیری آموزش از محبوبه و زینب است. او می‌گوید: «وقتی شنیدم که مکتب به روی ما بسته شده، احساس کردم که دیگر نمی‌توانیم پیش‌رفت کنیم و آینده خود را بسازیم، ولی حالا می‌توانیم با این مکتب مخفی یک قسمی به آینده خود امیدوار باشیم.»

ایجاد مکاتب پنهانی تجربه جدیدی در افغانستان نیست. زنان در دوره نخست حاکمیت طالبان در دهه ۷۰ نیز خانه‌های خود را برای دختران به مکتب مبدل کرده بودند. در آن زمان آموزگاران زن برای مبارزه با محدودیت‌های طالبان، این‌گونه مکاتب را در کابل و دیگر ولایت‌ها ایجاد می‌کردند؛ کاری که دلی به بزرگی دریا می‌خواهد.

دختران و زنان پس از قدرت‌گیری دوباره طالبان به تدریج از آموزش، تحصیل و کار منع شده‌اند. اکنون این دانشجویان دختر دوباره آستین برزده‌اند و با ایجاد این‌گونه مکاتب مخفی، برای دختران محروم از آموزش زمینه فراگیری دانش را فراهم می‌کنند تا اندکی به آینده خود امیدوار باشند. هر چند این دختران می‌دانند که اگر طالبان خبر شوند، چه بلایی بر سر آنان خواهند آورد، اما با وجود آن هم ادامه می‌دهند.

محبوبه می‌گوید: «مشکلات زیاد است. مهم‌تر از همه امنیت است. طالبان اگر خبر شوند درباره صنوف مخفی، معلوم نیست چه بلاهایی را سر استادان و کسانی که همکاری می‌کنند، می‌آورد؛ یعنی غیرقابل تصور است. می‌دانیم که طالبان از زنان هیچ خوش‌شان نمی‌آید، دوست ندارند زنان پیش رفت کنند. با وجود ترسی که در وجود ما است، اما باز هم ادامه می‌دهیم.» این‌همه در حالی است که با تسلط طالبان بر کشور در اسد ۱۴۰۰، همه مکاتب به دلیل وضعیت ناروشن سیاسی برای مدتی مسدود شدند. هرچند طالبان پس از هفته‌ها به مکاتب پسرانه اجازه فعالیت دادند، اما فعالیت مکاتب دخترانه را تا اطلاع ثانوی تعلیق کردند. به همین ترتیب طالبان در خزان سال روان خورشیدی دختران را از ادامه تحصیل نیز منع کرده‌اند. مقام‌های وزارت‌های معارف و تحصیلات عالی طالبان خاطر نشان می‌سازند که به‌زودی زمینه آموزش و تحصیل را برای دختران فراهم خواهند ساخت، اما برای تحقق این تعهد در نزدیک به دو سال گذشته هیچ اقدام عملی روی دست نگرفته‌اند.



دانش‌آموزان دختر در حال نوشتن

مصطفی بهنود

پس از بسته شدن تدریجی مکاتب متوسطه و لیسه دخترانه و تعلیق تحصیل دختران از سوی طالبان، دختران زیادی در افغانستان خانه‌نشین شده‌اند. در میان این دختران شماری مصروف آموزش خیاطی و شماری دیگر مشغول کارهای خانه هستند. اما عده‌ای از دانشجویان دختر برای این‌که مشعل آموزش را زنده نگه دارند، به ایجاد صنف‌های پنهانی درسی در خانه‌های خود اقدام کرده‌اند. این دختران فعال سعی دارند روزنه امید در دل دانش‌آموزان محروم از آموزش، روشن باقی بماند.



محبوبه آموزگار

محبوبه، زمانی که در اواخر ماه قوس سال گذشته خورشیدی خبر بسته شدن دانشگاه‌ها را از طریق صفحه‌های مجازی شنید، باور نمی‌کرد که تحصیل دختران واقعاً تعلیق شده است. او شب تاریک را در هاله‌ای از ابهام سپری کرد و روز بعد خود را به دانشگاه رساند تا بداند که آیا این خبر حقیقت دارد یا خیر. او زمانی که نزدیک دروازه دانشگاه رسید، طالبان به او اجازه ورود به محوطه دانشگاه را ندادند. او با ناامیدی به خانه برگشت.

این دانشجو به روزنامه ۸صبح می‌گوید: «روز آخر که خودم دانشگاه رفتم، نتوانستم داخل دانشگاه شوم؛ به خاطری که طالبان برایم اجازه ندادند. به خاطری که من دختر استم و دختران در افغانستان حق ندارند تحصیل کنند. طالبان از باسواد شدن زنان در کل می‌ترسند.»

تعلیق تحصیل دختران ناامیدی بزرگی را در دل دانشجویان دختر به وجود آورده است. محبوبه زمانی که از ادامه تحصیل ناامید شده بود، در گوشه خانه به آینده فکر می‌کرد. همسایه‌ها به او گفتند که برای کودکان‌شان زمینه آموزش را فراهم کند و این جرعه‌ای بود برای آغاز مبارزه محبوبه در برابر ناامیدی ناشی از منع آموزش دختران. او توضیح می‌دهد که این خواست برحق همسایه‌هایش سبب شد که مکتب پنهانی خود را برای دخترانی که از آموزش باز مانده‌اند، ایجاد کند. محبوبه در این باره گفت: «بسیار ناامید بودم، فکر کردم فعلاً می‌نشینم در خانه. در خانه که بنشینم چه کنم؟ من نمی‌توانم درس بخوانم، حداقل یک کار مفید برای

دبیر بخش ویدیو: نصیر کاوشگر

خبرنگار ارشد: امین کاوه

ویراستاران: محمدعلی نظری، مقیم مهران

صفحه آرایی: رضا مرادی

پذیرش مقالات: Info@8am.media

پذیرش اعلان: Shaparsepehr@gmail.com ۰۷۸۸۷۸۸۷۹۹ - ۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰

نشانی پستی: صندوق پستی ۰۲۵-۰۳۸، پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان

۸صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده‌ی دیدگاه ۸صبح است.

سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.

۸صبح

روایت دیروز، آینه امروز، نوید فردا

صاحب امتیاز: سنجر سهیل

مدیرمسئول: محمد محق

سردبیر: حسیب بهش

مسئول افغانستان: شاحسین رسولی

تحلیل‌گران: یونس نگاه، ابومسلم خراسانی و علی سجاد مولایی

دبیر گزارش‌ها: فهیم امین

Publisher: Sanjar Sohail, Sanjar.sohail@8am.media

Editor-in-Chief: Mohammad Moheq  
Mohammad.moheq@8am.media

Facebook.com/8am.media

Youtube.com/Hashtesubhdaily

Twitter.com/@Hashtesubhdaily

instagram.com/8am.media\_official

www.8am.media

ولادیمیر زلنسکی، رئیس جمهور اوکراین، مدعی شده که در یک هفته گذشته دست کم ۱۱۰۰ سرباز روس در شهر باخموت کشته شده‌اند. رئیس جمهور اوکراین این مطلب را روز یکشنبه، ۱۲ مارچ، در یک سخنرانی تلویزیونی بیان کرده است. ولادیمیر زلنسکی همچنان گفته که در این مدت ۱۵۰۰ نظامی وفادار به روسیه در جنگ باخموت زخمی شده‌اند. او افزوده است: «تجهیزات بیشتر نیروهای دشمن را از بین بردیم و نیروهای ما تا شکست قوای روسی به مبارزه‌شان ادامه خواهند داد.» آمار کشته‌شده‌گان نیروهای روسیه در یک هفته گذشته در نبرد باخموت هنوز از سوی مسکو تأیید نشده است. این در حالی است که در روزهای اخیر مقام‌های روسیه و اوکراین مدعی دستیابی به موفقیت در جنگ باخموت شده‌اند.



### رئیس جمهور چین برای نخستین بار پس از آغاز جنگ اوکراین با زلنسکی گفت‌وگو می‌کند

قرار است شی جین پینگ، رئیس جمهور چین، پس از دیدار با پوتین، با رئیس جمهور اوکراین نیز تلفنی صحبت کند. وال استریت ژورنال روز دوشنبه، ۱۳ مارچ، به نقل از منابع، هدف از این گفت‌وگو را میانجی‌گری برای پایان جنگ اوکراین عنوان کرده است. منابع این روزنامه، گفت‌وگوی شی با زلنسکی را گام مهم چین برای ایفای نقش فعال در پایان دادن به جنگ در اوکراین توصیف کرده‌اند. انتظار می‌رود که رهبر چین هفته آینده از مسکو نیز دیدار



### کشورهای اروپایی واردات اسلحه را ۴۷ درصد افزایش داده‌اند

کشورهای اروپایی در مقایسه به ۵ سال گذشته واردات اسلحه اصلی را ۴۷ درصد افزایش داده‌اند. رویترز روز دوشنبه، ۱۳ مارچ، به نقل از منابع خبری‌اش گزارش داده که آمریکا نیز سهم خود از صادرات تسلیحات را از ۳۳ درصد به ۴۰ درصد افزایش داده است.

پیتر دی ویزمن، محقق ارشد موسسه تحقیقات صلح بین‌المللی استکهلم، در بیانیه‌ای گفته است که با وجود کاهش انتقال تسلیحات در سطح جهانی، ترانزیت سلاح به اروپا به دلیل تنش بین روسیه و سایر کشورهای اروپایی به‌شدت افزایش یافته است.

در گزارش رویترز کشورهای اروپایی‌ای که واردات تسلیحات از آمریکا را افزایش داده‌اند، مشخص نشده است.

گفته می‌شود که حمله روسیه بر اوکراین کشورهای اروپایی را وادار کرده است تا خود را از نظر نظامی تقویت کنند.

آمریکا و روسیه در سه سال گذشته بزرگترین صادرکننده‌گان تسلیحات در جهان بوده‌اند.

### نظامیان اوزبیکستان پیشنهاد استفاده از پهپاد برای نظارت از مرز افغانستان را دادند

اوزبیکستان تأکید کرده‌اند. همچنان در این دیدار میرضیایف توانایی نیروهای این کشور در استفاده گسترده‌تر از پهپاد را مورد بررسی قرار داده است. روزنامه دبی، از افزایش آمادگی‌های نیروهای رزمی این کشور نیز خبر داده است. گفتنی است که با تسلط طالبان بر افغانستان، کشورهای همسایه در نظارت از مرزهایشان محتاط‌تر شده‌اند و از ورود سلاح و جنگ‌جویان افراط‌گرای اسلامی به خاک‌شان نگران‌اند. پیشنهاد استفاده از پهپاد توسط مرزبانان اوزبیکستانی برای نظارت از مرزهای افغانستان، نشان‌دهنده نگرانی این نیروها است.

۸صبح، کابل: نیروهای سرحدی اوزبیکستان به رئیس‌جمهور این کشور پیشنهاد استفاده از پهپاد برای نظارت از مرز افغانستان را داده‌اند. روزنامه اوزبیکستان‌دیلی، گزارش داده است که این پیشنهاد در سفر روز دوشنبه، ۲۲ حوت، شوکت میرضیایف، رئیس‌جمهور اوزبیکستان، از پایگاه آموزشی نیروهای وزارت دفاع این کشور در ترمز، منطقه هم‌مرز با افغانستان، به او داده شده است. بربنیاد این گزارش، در جریان دیدار شوکت میرضیایف، از سرخان‌دریا، منطقه مرزی با افغانستان، نیروهای امنیتی این کشور بر اهمیت استفاده از پهپاد برای نظارت از مرز



### کوریای شمالی یک موشک بالستیک شلیک کرد

ارتش کوریای جنوبی اعلام کرده که پیونگ‌یانگ در راستای سلسله آزمایش‌های تسلیحاتی‌اش یک موشک بالستیک دیگر به سمت سواحل شرقی شلیک کرد.

بربنیاد گزارش رویترز، این پرتاب بامداد سه‌شنبه، ۱۴ مارچ، دو روز پس از آزمایش دو موشک کروز راهبردی انجام شده است.

کوریای جنوبی به جزئیات موشک شلیک‌شده، از جمله بُرد آن اشاره‌ای نکرده است.

این شلیک پس از آغاز رزمایش مشترک کوریای جنوبی و آمریکا انجام شد.

این رزمایش ۱۱ روزه «سیر آزادی ۲۳» نام دارد و از روز دوشنبه، ۱۳ مارچ، آغاز شده است.

پیونگ یانگ همواره به رزمایش‌های آمریکا در منطقه اعتراض کرده و دو روز پیش نیز گفته بود که اقدامات عملی مهمی در راستای بازدارنده‌گی جنگی اتخاذ کرده است.

کیم جونگ اون، رهبر کوریای شمالی، اواخر هفته گذشته نیز به ارتش این کشور دستور داده بود تا رزمایش‌های بیشتری برای آمادگی یک «جنگ واقعی» انجام دهد.

گفتنی است که کوریای شمالی در تاریخ ۹ مارچ ماه جاری میلادی نیز در واکنش به رزمایش کوریای جنوبی و آمریکا یک موشک بالستیک به سمت دریای زرد شلیک کرد.

### آلمان آموزش نیروهای اوکراینی برای استفاده از تانک‌های لئوپارد ۲ را تکمیل کرد

پایان ماه جاری از سوی آلمان و پرتغال دریافت خواهد کرد. برلین قرار است ۱۸ دستگاه از این تانک‌ها را در اختیار اوکراین قرار دهد. گفتنی است که پیش از این، «راین متال» به‌عنوان بزرگ‌ترین شرکت تسلیحاتی آلمان و تولیدکننده تانک‌های «لئوپارد ۲»، از مذاکرات «امیدوارکننده» خود با دولت اوکراین به منظور ساخت یک کارخانه تولید تانک در این کشور خبر داد. مدیرعامل شرکت اسلحه‌سازی راین‌متال آلمان در گفت‌وگو با نشریه آلمانی «شپینگل» گفت که این

یک روزنامه آلمانی اعلام کرده که این کشور آموزش نیروهای اوکراینی برای استفاده از تانک‌های لئوپارد ۲ را تکمیل کرده است. روزنامه «دای‌زیت» روز دوشنبه، ۱۳ مارچ، گزارش داده است که نظامیان اوکراینی اکنون آماده استفاده از تانک‌های لئوپارد ۲ هستند. در این گزارش آمده است که خدمه آموزش‌دیده و تانک‌های آن‌ها به زودی وارد اوکراین خواهند شد. بوریس پیستوریوس، وزیر دفاع آلمان، به تاریخ ۸ مارچ گفته بود که کی‌یف ۲۱ دستگاه تانک لئوپارد ۲ را تا



شرکت با هزینه‌ای معادل ۲۰۰ میلیون یورو می‌تواند یک کارخانه تولید تانک در اوکراین بسازد.

### آغاز رزمایش ترکیبی کوریای جنوبی و آمریکا؛ پیونگ‌یانگ دو فیر موشک کروز شلیک کرد

این در حالی است که هفته گذشته کیم جونگ اون، رهبر کوریای شمالی، هنگام نظارت بر یک رزمایش تهاجمی توپ‌خانه‌ای، بر لزوم آمادگی نیروهای نظامی کشورش برای پاسخگویی قاطعانه به هرگونه تحرکات جنگی «دیوانه‌وار» دشمنان تأکید کرده بود.

مقام‌های نظامی کوریای جنوبی و آمریکا پیش از این گفته بودند که شبیه‌سازی حمله‌هایی به اهداف کلیدی در کشور فرضی با هدف تقویت توان دفاعی و واکنش متحدان آسیایی در بنبوحه تهدیدات هسته‌ای فزاینده کوریای شمالی طراحی شده است.

پیش از برگزاری رزمایش مشترک کوریای جنوبی و آمریکا، کوریای شمالی اعلام کرد که در پاسخ به اقدام واشنگتن و سئول در برگزاری رزمایش مشترک، موشک‌های کروز را از یک زیردریایی به‌صورت آزمایشی شلیک کرده است.

پرتاب دو فیر موشک توسط کوریای شمالی در روز یکشنبه نشان می‌دهد که این کشور احتمالاً در طول رزمایش مشترک آمریکا و کوریای جنوبی که قرار است به مدت ۱۱ روز ادامه داشته باشد، فعالیت‌های آزمایشی تحریک‌آمیز تسلیحاتی انجام دهد.

بربنیاد گزارش‌ها، کوریای جنوبی و آمریکا بزرگ‌ترین رزمایش ترکیبی مشترک خود در سال‌های اخیر را با نام «سیر آزادی ۲۳» آغاز کرده‌اند.

یورو نیوز گزارش داده است که این دو کشور روز دوشنبه، ۱۳ مارچ، این رزمایش مشترک را آغاز کرده‌اند.

